

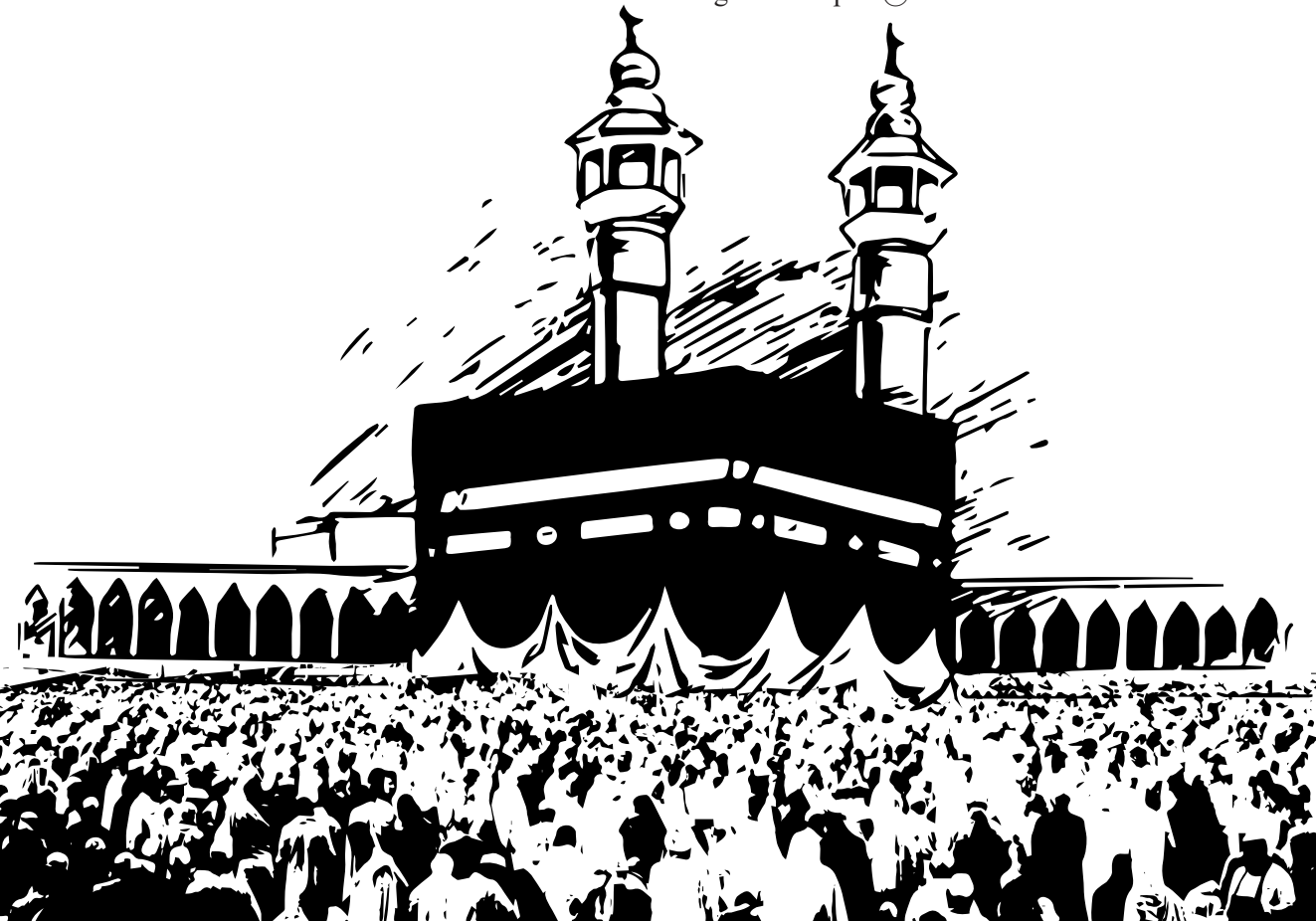
بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی حج و موانع آن با تأکید بر همگرایی در جهان اسلام

افشین متقی^(۱)، آرش قربانی سپهر^(۲)

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
a.mottaghi@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده
مسئول)

ar.ghorbanisephr@mail.um.ac.ir



چکیده

فریضه حج نه تنها راهی برای نزدیک شدن به خدا ارائه می‌دهد بلکه مزایای اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی را به زائران ارائه می‌دهد. دیپلماسی فرهنگی حج این توانایی را دارد که در ایجاد صلح و امنیت جهانی و منطقه‌ای مؤثر واقع شود. تاریخ گواه آن است که هرگاه زمینه‌های فرهنگی تقویت شده‌اند، زمینه‌های کینه و عداوت بین مردم کم می‌شود، و جنگ و خونریزی متوقف شده و صلح و آرامش به ارمغان آمده است. دیپلماسی وحدت بخشی که صلح و امنیت را به بار می‌آورد همراه با عقلانیت و تعقل است و این مناسک حج است که زمینه اتحاد و یکدلی را فراهم می‌کند و از نزاع و تفرقه و جدال برحذر می‌دارد. لذا، حج عبادتی سیاسی، اجتماعی است که متضمن مجموعه‌ای از قوانین و دستورات الهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است؛ و مناسک گنجانده شده در این آیین الهی آمیزه‌ای وحدت بخش و صلح آفرین است که در صورت توجه به فلسفه حقیقی مناسک حج و انجام درست اعمال آن مسلمین می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند و امت واحده اسلامی بلکه بالاتر از آن جامعه جهانی اسلامی تشکیل دهند.

کلیدواژه‌ها:

دیپلماسی، موانع دیپلماسی، همگرایی، دیپلماسی حج

مقدمه

دیپلماسی و رفتار سیاسی در جوامع جهانی از گذشته تاکنون دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای بوده و رفتار دیپلماتیک دولتمردان و سیاستمداران در روابط بین‌المللی از این جایگاه معنا و تبلور یافته است (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). از آنجا که سابقه استفاده از مذهب به عنوان موضوع و همچنین ابزار دیپلماسی سابقه‌ی تاریخی طولانی داشته (شیخ‌الاسلامی و سرادار، ۱۳۹۱: ۱۰۴) و دین اسلام آیینی است که نه تنها به مباحث ایمانی و اعتقادی شخص توجه داشت بلکه برای تمامی شئون زندگی انسانی اعم از فردی و اجتماعی برنامه و راهکار ارائه داده است. بر همین اساس تبیین و تحلیل این جایگاه از منظر اسلام نیز قابل بررسی بوده و به گونه‌ای که پیامبر اسلام (ص) که پیام‌آور و الگوی بسیار اساسی در تمامی شئون زندگی اعم از مدیریت، حکومت و سیاست می‌باشد به اهمیت این جایگاه پرداخته و در سیره و رفتار سیاسی خویش در روابط خارجی نقش دیپلماسی را پررنگ‌تر از مفاهیم دیگر معنا نموده است (خزائی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). یکی از مهمترین ویژگی‌های دین اسلام وجود عناصر اتحادبخش است که سبب شده جهان اسلام برای تبدیل شدن به مرکز سیاسی و فرهنگی متحدی از ظرفیت بالایی برخوردار باشد. از این رو، می‌بینیم هر بار که این عناصر اتحادبخش به واسطه دعوت، رسالت یا رهبری در سطح وسیعی برانگیخته و جلوه‌گر شده‌اند، مردم با آنها همراه شده‌اند و به‌طور کلی زمینه برای اتحاد سیاسی نیز فراهم شده است. در این میان حج به عنوان عبادتی سیاسی- اجتماعی از مهمترین ظرفیت‌های درونی جهان اسلام برای همگرایی اسلامی است که با گردهم‌آوری نمایندگان از سراسر جهان اسلام در قالب انجام مناسکی یکسان در زمان و مکان واحد، هویت دینی مسلمانان را تقویت می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). این زیارت‌های مذهبی قدمتی طولانی داشته و همچنان جایگاه برجسته‌ای در زندگی امروز بسیاری از مردم دارد (Caidi, 2019: 44).

حج نه تنها راهی برای نزدیک شدن به خدا ارائه می دهد بلکه مزایای اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی را به زائران ارائه می دهد. برای نشان دادن برابری، برادری، و به منظور تسلیم در برابر آموزه های اسلامی، همه زائران به صورت جمعی علیرغم ویژگی های مختلف جمعیتی، لباس احرام را می پوشند. این لباس نشانه ی وحدت بوده و برابری و جهانی بودن را منتقل می کند. زائران در یک نقطه جمع می شوند و با رعایت آیین حج انتظار می رود که وحدت و نظم و انضباطی را به نمایش بگذارند. این به ریشه کن کردن مرزهای مصنوعی و ایجاد احساس جامعه در بین زائران کمک می کند (Al Nabulsi, 2015: 47). حج یک رسم قدیمی است که تقریباً دو قرن و نیم قبل از ظهور اسلام انجام شده (Al-Ken, 1995: 21). هنوز ادامه دارد این سنت تا هر زمانی که مردمی باشند که به آیین اسلامی معتقد باشند ادامه می یابد. بنابراین با توجه به اهمیت حج در روابط بین ایران و عربستان به عنوان یک سنت مشترک و ویژگی های خود این سنت پژوهش در زمینه جایگاه دیپلماسی حج و موانع آن با تأکید بر همگرایی امت اسلامی که از اصول مهم دین اسلام است ضروری می نماید لذا در پژوهش حاضر به این مهم پرداخته شده است.

بنیادها و مفاهیم

حج

زیارت برای بسیاری از مذاهب مشترک است. آنها سفرهای معنوی هستند که در آن فرد تشویق می شود تا روی ایمان تمرکز کند. مقصد سفر زیارتی معمولاً از جمله مواردی است که از نظر مذهبی خاص بسیار مهم تلقی می شود (Al Nabulsi, 2015: 41). زیارت مذهبی از نظر فاصله فیزیکی و جهانی شدن اعتقادات فراملی است. بنابراین، تأثیرات متعددی بر سیستم بین المللی موجود دارد (NIU, 2016: 41). حج از جمله بزرگترین سفرهای مذهبی در جهان است. حج، در لغت به معنای مطلق

قصد بوده و در اصطلاح شرع، قصد زیارت خانه خدا در زمان معین و انجام مناسک مخصوص که خداوند متعال دستور داده، است.

زیارت مکه و مدینه در عربستان سعودی را حج می‌نامند که نمایانگر "سیر تحول انسان به سوی خدا" به معنای بودن- نمایشی نمادین از فلسفه خلقت آدم است (Amiri et al, 2011: 678). در اسلام به روشنی در آیات و روایات آمده است که بازدید از مکه برای انجام حج یکی از ارکان الخمسه (ستون پنجم) برای مؤمنانی است که توان مالی و جسمی دارند؛ این فریضه را یک بار در زندگی خود باید به جای آورند (NIU, 2016: 41).

راغب در مفردات می‌گوید (اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۱۸): (اصل الحج القصد الزیارة، و خصّ فی معارف الشرع بقصد بیت الله تعالی اقامة للنسک) حج یکی از ارکان پنج‌گانه دین اسلام است. امام باقر (ع) می‌فرمایند: (بُنی الاسلامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ)، (کلینی، ج ۲: ۱۸). طبق فرموده نورانی امام محمد باقر (ع) اگر کسی عمداً حج را ترک کند، یکی از ارکان اسلام را ترک کرده است و کسی که یکی از ارکان اسلام را ترک کند بر اساس آیه قرآن کافر است.

﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ﴾ (آل عمران/۹۷). حج دارای منافع دنیوی و آخروی فراوان است (Amiri et al, 2011: 678)؛ که در اینجا به بیان مرحوم علامه طباطبائی ذیل آیه شریفه ۲۸ سوره حج اشاره می‌شود. ایشان بعد از ذکر آیه ﴿لِيَسْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...﴾ می‌فرمایند: در این جمله منافع مطلق ذکر شده، و نفرموده منافع دنیایی و آخروی؛ چون منافع دو نوع است: یکی دنیوی که در همین زندگی اجتماعی دنیا سود بخشیده و زندگی آدمی را صفا می‌دهد و حوائج گوناگون را برآورده می‌کند، و نواقص مختلف را برطرف می‌سازد؛ مانند تجارت، سیاست، امارت، تدبیر، و اقسام رسوم و آداب و سنن و عادات و انواع تعاون و یاری‌های اجتماعی و غیر آن.

مفهوم دیپلماسی

دیپلماسی، وسیله‌ای است که دولت‌ها در سراسر جهان امور خود را به روش‌هایی برای تضمین روابط صلح‌آمیز هدایت می‌کنند. وظیفه خدمات دیپلماتیک، حفظ منافع کشورهای متبوع خود در خارج از کشور است. این مربوط به ترویج روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی به‌عنوان تعهد بین‌المللی برای دفاع از حقوق بشر یا حل مسالمت‌آمیز اختلافات است. دیپلماسی در هر دو زمینه و دو جانبه و چندجانبه صورت می‌گیرد. دیپلماسی دوجانبه اصطلاحی است که برای برقراری ارتباط دو کشور به کار می‌رود، در حالی که دیپلماسی چند جانبه شامل تماس‌های بین چندین کشور است که غالباً در بستر نهادی یک سازمان بین‌المللی قرار دارد (www.eda.ch, 2008: 3). در تعریفی جامع‌تر از دیپلماسی می‌توان گفت: دیپلماسی عبارت است از مجموعه‌ی روش‌ها، فنون، تدابیر، اعمال و وظایفی که دولت‌ها بیشتر با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز برای دستیابی به حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه بین‌المللی و حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، دیپلماسی هنر و قابلیت هدایت روابط بین دول است که باید از طرف مجریان سیاست خارجی در عرصه‌های مختلف بین‌المللی به منصفه ظهور و فعلیت برسد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۳). مورگنتا دیپلماسی را تدوین و اجرای سیاست خارجی در همه سطوح از صدر تا ذیل می‌داند (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۴۶). دیپلماسی با توجه به تحولات امروزی انواع مختلفی را شامل می‌شود که در مقاله حاضر با توجه به ضرورت بحث به تعریف دیپلماسی فرهنگی پرداخته شده است:

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان بخشی از دیپلماسی عمومی است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش پرداخته و تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی بر افکار عمومی

دیگر کشورها تأثیر گذاشته و موجب افزایش اعتبار و گسترش نفوذ در عرصع بین‌المللی گردد (درخشه و اسماعیلی کلیشمی، ۱۳۹۶: ۳۱). دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان شکلی از قدرت نرم می‌تواند در راستای گسترش عناصر فرهنگی یک کشور مورد توجه قرار گیرد. دیپلماسی فرهنگی زمینه مبادلات فرهنگی را فراهم می‌آورد و این مبادلات به نوبه خود از یکسو به تقویت مشترکات می‌پردازد و از سوی دیگر در جاییکه تفاوت وجود دارد زمینه درک انگیزه را فراهم می‌کند (علویان و براریان، ۱۳۹۸: ۹). اما هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی تواناسازی گفت و گوی فرهنگی؛ برای ایجاد روابط سازنده، بهبود ارتباطات و همکاری، جلوگیری از سوءتفاهم‌ها و کاهش درگیری‌های اجتماعی، فرهنگی و پیامدهای آن می‌باشد. امروزه به دنبال پدیده جهانی شدن، شاهد ارتباط و به هم پیوستگی هرچه بیشتر مناطق، کشورها، محلات و شهروندان از هر نقطه از جهان با یکدیگر هستیم. از این رو، سیاست‌های بین‌المللی نیز در حال پیچیده‌تر و چندلایه شدن هستند (شهرام‌نیا و نظیمی نائینی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). دیپلماسی فرهنگی یک سیاست بین‌المللی جدید در روابط سیاسی بین‌الملل میان کشورها با یکدیگر است. بنابراین، دولت‌ها نیاز دارند جهت برقراری ارتباط از این دیپلماسی در روابطشان بهره‌گیرند، که خود آن دارای شاخصه‌هایی است؛ ۱. اعزام دانشجویان جهت آموزش در دوره‌های تحصیلی، ۲. برپایی جشنواره‌های فرهنگی مشترک، ۳. مبادله شهروندان به قصد مسابقات ورزشی، بازدیدهای تفریحی و... که می‌تواند کمک شایان توجهی به دولت‌ها در راستای تقویت مبادلات فرهنگی‌شان کند. به‌طور خلاصه دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل». بنابراین، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند را به عبارتی خلاصه‌تر به ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی - دینی یک ملت یا فرهنگ تفسیر کرد.

همگرایی



شکل ۱- فرایند همگرایی سازی (مأخذ: فلاح نژاد و امیری، ۱۳۹۴: ۱۳۰)

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارتست از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می شود و واگرایی در برابر آن به معنی تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن ها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف های خاص است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). ارنست هاس، پایه گذار نظریه همگرایی، همگرایی را پروسه ای می داند که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش از اختیارات قانونی برخوردار باشند، سوق دهند (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۱). فرایند همگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت ها، از احساس و درک هدف مشترک شروع می شود و با تداوم آن نیروهای اصلی و یا تسهیل کننده به تقویت روند کمک نموده تا فرایند را کامل نمایند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه و یا برعکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می دهد. (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵)

بحث همگرایی ناظر بر رفتار جمع گرایی کشورها و دولت ها نسبت به یکدیگر است

بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی حج و موانع آن با تأکید بر همگرایی در جهان اسلام | ۱۰۳

(حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). که براساس آن انواع بازیگران ملی (مقامات دولتی، سخنگویان گروه‌های ذی نفوذ، سیاستمداران و همچنین مردم عادی) از شناسایی خود و رفاه آتی خود به طور کامل با دولت ملی و سیاست‌های آن دست می‌کشند. البته این مفهوم همگرایی کاملاً با مفهوم وفاداری تقسیم شده و شناسایی خرد شده بر پای افراد سازگار است (Hass, ۱۹۶۴: ۷۱۰). در تعریفی دیگر از همگرایی آمده است: «همگرایی، درهم آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۶۹).

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری همگرایی

شکل‌گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن یک گروه‌بندی و تشکل بین‌المللی و منطقه‌ای، نیازمند وجود زمینه‌ها و عوامل خاصی است که عمده آنها بدین شرح است:

- ۱- ویژگی‌های مشترک فرهنگی، تاریخی، مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت، خاندان و آداب و رسوم مشترک؛
- ۲- وحدت طبیعی و جغرافیایی و برخورداری از واحدهای جغرافیایی متمایز و یکپارچه مانند شبه جزیره خلیج، جزیره، فلات، قاره، دریا، اقیانوس، شبه قاره و... مانند اتحادیه‌ی پاسیفیک، نفتا، سازمان وحدت آفریقا، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه‌ی کشورهای دریای سیاه (خزر، سارک)؛
- ۳- تهدید مشترک اعم از تهدید امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...؛
- ۴- علائق، منافع و نقش مشترک مانند: گروه ۸ (صنعتی‌ها)، بازار مشترک اروپا، اوپک و...؛
- ۵- نیازها و وابستگی‌های متقابل در زمینه‌های مختلف، مانند آسه آن واکو؛
- ۶- قدرت مسلط و نیروهای سیاسی و ژئوپلیتیک برتر که نقش تأسیس و رهبری همگرایی را به عهده می‌گیرند، مانند کشورهای استعمارگر، قدرت‌های جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای و...؛
- ۷- روابط عاطفی و سیاسی رهبران کشورها مانند فدراسیون امارات متحده عربی؛
- ۸- وابستگی‌های تمدنی مانند تمدن اسلامی، تمدن اروپایی، تمدن اسلاوی و... که

زمینه‌ها و عوامل مزبور به صورت انفرادی یا جمعی (ترکیبی)، تأثیر تعیین کننده‌ای بر شکل‌گیری فرایند همگرایی و پدیدار شدن شکل‌های جهانی و بین‌المللی و منطقه‌ای دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۷).

پیشینه پژوهش

پیشینه هر تحقیق نشان از اهمیت موضوع پژوهش دارد. دیپلماسی و موضوعات مرتبط با آن سال‌هاست که موضوع پژوهش‌های مختلف در سراسر جهان قرار گرفته است. لذا در ذیل به بخشی از این پژوهش‌ها برای تأکید بیشتر اهمیت و ضرورت این پژوهش اشاره شده است.

شیخ الاسلام و سردار (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان: الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه‌العام الاسلامی، در پی یافتن جایگاه مذهب در دیپلماسی فرهنگی عربستان بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل مانند قرار گرفتن مکه و مدینه در قلمروی این کشور، زمینه‌های تاریخی و همچنین انگیزه‌های سیاسی سعودی‌ها منجر به اهمیت یافتن دین در رفتار دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی شده و رابطه‌السلام نقشی اساسی به‌عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی ایفا می‌کند. صادق‌زاده (۱۳۹۵)، در پژوهش کارکردهای دیپلماسی فرهنگ حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان به بررسی کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج، در تقویت فرهنگی مسلمانان پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که مناسک حج سرشار از دستوراتی برای سعادت دینا و آخرت است که انجام صحیح آنها به افزایش دلبستگی به هویت دینی و فرهنگی مسلمانان کمک کرده و سبب نشر بیشتر این دستورات توسط مسلمانان می‌شود. علویان و براریان (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در همگرایی کشورهای اسلامی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که از طریق دیپلماسی فرهنگی می‌توان موانع همگرایی منطقه‌ای را کاهش داد و اراده و تصمیم کشورهای اسلامی نقش مؤثری در رسیدن به

همگرایی دارد.

روش تحقیق

پژوهش کیفی شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های عمل مادی-تفسیری است که جهان را قابل مشاهده می‌سازد. همچنین لازم به اشاره است که متناسب با راهبرد کیفی، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی برای انجام پژوهش استفاده شده است. از این روی، روش اصلی پژوهش با توجه به ماهیت کاربردی و مبتنی بر استدلال‌های منطقی است. بر همین اساس در این تحقیق سعی شده، علاوه بر تصویرسازی آنچه در زمینه دیپلماسی فرهنگی و عملکرد آن در مسائل بین‌الملل وجود دارد، به تشریح و تبیین مفهوم آن نیز پرداخته شود. همچنین در پژوهش حاضر تلاش شده تا مفهوم دیپلماسی از بعد نظری با توجه به نگاشت‌های نظریه‌پردازان، پیرامون این موضوع با مفهوم فرهنگ اسلامی و سنت حج مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این راستا، برای تبیین و توجیه دلایل سعی شده با تکیه بر استدلال‌های محکمی از طریق جستجو در پیشینه شکل‌گیری مفهوم دیپلماسی و موانع آن از یک سو و ادبیات و مفاهیم نظری پژوهش از سوی دیگر، نتیجه‌گیری شود. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه‌ای-اسنادی است. بر این مبنای، در این تحقیق تلاش شده علاوه بر تصویرسازی درست از چرخش فرهنگی در قرن بیست و یکم و تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی حج و موانع آن با تأکید بر مسئله همگرایی در جهان اسلام پرداخته شود.

یافته‌های پژوهش

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در ایجاد تفاهم اسلامی رسیدن به تفاهم متقابل بین فرهنگ‌های مختلف از اهداف دیپلماسی فرهنگی است؛ و حج می‌تواند در این مقصد مسلمانان را یاری رساند؛ لذا، در این قسمت به کارکرد حج در ایجاد تفاهم و کاهش تنش‌ها و تعارضات اشاره می‌شود. قرآن و احادیث

معصومین و سیره بزرگان و علمای دین، همه عنایت شدید دارند که وحدت مسلمین باید محفوظ بماند. کسی که کوچک ترین آشنایی با تعلیمات اسلامی داشته باشد، در این جهت تردید نمی کند که اسلام به عناوین مختلف دستور داده است که مسلمانان دور هم جمع شوند، و یکدیگر را از نزدیک ببینند، و از احوال یکدیگر مطلع شوند، تا دل هایشان به یکدیگر نزدیک شوند، و دیوارها از میان برده شود، و شکافها پر شود. همه می دانیم که طبق نصوص اسلامی، عبادت هر اندازه بیشتر در خلوت و دور از چشم دیگران صورت بگیرد به اخلاص نزدیک تر است. در عین حال اسلام دستور اکید داده است که نماز به جماعت خوانده شود؛ و اجر و ثواب این عمل را بیش از آن چه تصور می رود، از نماز فرادی بالاتر برده است، چرا؟ برای اینکه در اثر جماعت، مسلمین از یکدیگر با خبر می شوند، و دل هایشان به یکدیگر نزدیک تر می شود.

هفته ای یک بار نماز جمعه قرار داده است؛ و مقرر کرده است در شعاع یک فرسخ در یک فرسخ بر همه واجب است که شرکت کنند. در نماز جمعه به جای دو رکعت آن، دو خطبه قرار داده است؛ که امام در آن خطابه علاوه بر مواعظ، اخبار و اقطار عالم اسلام را به اطلاع آنها می رساند، و مصالح عمومی آنها را با آنها در میان می گذارد. نماز جماعت یک اجتماع روزانه است و نماز جمعه یک اجتماع عمومی تر و هفتگی است. نماز عید فطر و نماز عید اضحی دو عبادت اجتماعی دیگر است که سالانه است. از همه اجتماعات اسلامی مهم تر، عمومی تر، و طولانی تر و متنوع تر، برنامه حج است؛ که به حق آن را کنگره عمومی اسلامی نام نهاده اند. بر هر کسی واجب است که اگر توانایی داشته باشد، لااقل در عمر یک بار در این اجتماع عظیم شرکت کند. همه مسلمانان باید در زمان معین و روزهای مشخص اعمال معینی را انجام دهند. همه باید یک نوع لباس در ایام حج بپوشند، و یک نوع سخن به زبان بیاورند. در این عمل بزرگ اسلامی با همه نقایصی که در اجرای آن وجود دارد باز هم در جهان بی نظیر است؛ هم زمان واحد در نظر گرفته شده است، و هم مکان واحد، همه باید این اعمال را در

روزهای معینی از ذی الحججه انجام دهند، نه در روزهای دیگر و ماه‌های دیگر، و همه باید آن اعمال را در سرزمین معین انجام دهند، که همان سرزمینی است که اولین بار در آنجا خانه‌ای برای پرستش خدای یگانه ساخته شده است، حج نشان دهنده اوج سالها آمادگی و برنامه‌ریزی معنوی است، چرا؟ آیا جز برای این است که میعادگاه اهل توحید و مجتمع اهل توحید باشد؟ آیا جز برای این است که اهل توحید باید در آنجا رنگ توحید و وحدت به خود بگیرند؟ (صادق‌زاده، 1394: 45) و (Gatrad, 2005) and (133 Sheikh).

تفاهم اسلامی از منظر قرآن

الف. در سوره (آل عمران/۱۰۳)^(۱) می‌فرماید: همه با هم ریسمان الهی را محکم بگیرید و پراکنده نشوید. این آیه با کمال صراحت به موضوع بودن، و با هم دستور الهی را اجرا کردن، و پراکنده اجرا نکردن توجه دارد. اندک توجهی به مفهوم آیه می‌رساند که عنایت این کتاب آسمانی به این است که مسلمانان متفرق و پراکنده نباشند.

ب. سوره (آل عمران/۱۰۵)^(۲) می‌فرماید: شما مانند دیگران مباشید، که پس از آن که آیات روشن الهی برایشان آمد، فرقه فرقه شدند، و اختلاف پیدا کردند، برای چنین کسانی عذاب عظیم است. مفهوم آیه نیز واضح است و آیه مخصوصاً به تفرقات مذهبی یعنی فرقه فرقه شدن‌ها، و به وجود آمدن مذاهب اشاره می‌کند، زیرا، این نوع اختلافات از هر نوع دیگر خطرناک‌تر است. جالب توجه این است که کلام الهی این است (آل عمران/۱۰۴)^(۳): باید جماعتی از شما دعوت به خیر و صلاح، و نیکی بکنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، همانا آنها هستند که رستگارانند. محتوی این آیه دعوت به

۱. ﴿اعْتَصُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾

۲. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

۳. ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرْنَ بِالْمَعْرِفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

خیر و امر به معروف و نهی از منکر است. این برای آن است که قرآن کریم می خواهد بفهماند که همواره باید از طریق دعوت به خیر، صلاح، و امر به معروف و نهی از منکر این وحدت محفوظ بماند؛ اگر این استوانه اسلام یعنی اصل دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر بخوابد، وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان از میان می رود. ما همه مسلمانان دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر داریم؛ ولی چون هدف های اسلام را نمی شناسیم، مخصوصاً از هدف های بزرگ و اساسی بی خبریم، از اسلام فقط با یک سلسله دستورهای ظاهری که مربوط به قشر اسلام است نه لب و مغز آن آشنایی داریم. هر وقت به فکر دعوت و ارشاد می افتیم از حدود مسائل ساده اخلاقی و عبادی تجاوز نمی کنیم و حال اینکه یکی از هدف های بزرگ اسلام بلکه بزرگ ترین هدف اسلام در امور عملی وحدت و اتفاق مسلمانان است.

اولین آیه وظیفه داعیان، ارشادکنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر این است که در طریق وحدت مسلمانان بکوشند که مورد نزول آیه کریمه است.

ج. در سوره شوری آمده است (شوری/۱۳)^(۱): دین را بپا دارید؛ و در آن پراکنده نشوید، آنچه تو به آن دعوت می کنی بر مشرکین گران و دشوار است. این آیه کریمه می خواهد بفهماند چون مخالفان اسلام با هدف های اسلامی مخالفند، تفرق و پراکندگی آرزوی آنها است، و از وحدت مسلمانان می ترسند، آنها هستند که آتش های تفرقه و اختلاف را دامن می زنند، و موانع برای وحدت مسلمین ایجاد می کنند. د. در سوره (انفال/۴۶)^(۲) چنین می خوانیم: یعنی با یکدیگر نزاع نکنید؛ که سست خواهید شد، و بوی شما از میان خواهد رفت. این آیه اتحاد مسلمانان را موجب قوت، قدرت، شوکت، بوی، و خاصیت داشتن آنها معرفی می کند، و می فرماید اگر در میان شما اختلاف افتد، قوت، شوکت، بوی و خاصیت شما از میان می رود.

۱. ﴿أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ﴾

۲. ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾

نزاع‌ها بر دو قسم‌اند: بعضی از نزاع‌ها مربوط به تضاد منافع آنی افراد است، بعضی از نزاع‌ها ریشه عقیده‌ای دارند. اینهاست که فوق‌العاده خطرناک است، اینهاست که نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، و بحث‌ها و جدل‌ها، و کتاب‌ها و نوشته‌ها را به وجود می‌آورد؛ و قرن‌ها ادامه پیدا می‌کند، و هرچه زمان می‌گذرد بر موجبات آن افزوده می‌شود، و شکاف عمیق‌تر می‌شود.

و. در سوره آل عمران این‌گونه آمده است (آل عمران/۲۰۰)^(۱): ای اهل ایمان، صابر و خویستن‌دار باشید؛ یکدیگر را در خویشتن‌داری یاری کنید، و با یکدیگر پیوند داشته باشید، تقوای الهی را پیشه کنید، شاید که رستگار شوید.

تفاهم اسلامی از منظر احادیث

الف. جوامع حدیثی شیعه و سنی حدیثی از رسول اکرم (ص) به این مضمون روایت کرده‌اند (کلینی، ج ۱: ۴۰۳)^(۲): سه چیز است که هرگز دل مرد مسلمان در مورد آن نمی‌لرزد، و خیانت نمی‌کند: عملی را "خالصاً لوجه الله" بجا آوردن، خیرخواهی برای پیشوایان مسلمان، همراهی و ملازمت جماعت مسلمین. ب. در روایتی این‌گونه آمده است: معاویه بن وهب گفت: از امام صادق (ع) پرسیدم ما (یعنی شیعیان) چگونه باید با دیگران (اهل سنت) معاشرت کنیم، و تکلیف ما با آنها چیست؟ امام فرمود: ببینید ائمه شما چگونه رفتار می‌کنند، مانند امامان خود رفتار کنید، به خدا قسم امامان شما بیماران آنها را عیادت می‌کنند، جنازه‌های آنها را تشییع می‌کنند، و برای آنها شهادت می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۷: ۹). از مجموعه این آیات، روایات و امثال اینها چنین استفاده می‌شود، که حفظ وحدت و اتحاد بین مسلمین یکی از هدف‌های اسلامی است؛ و همه

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

۲. ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرئ مسلم: إخلاص العمل لله والنصيحة لأئمة المسلمين واللزوم

مسلمانان برای رسیدن به این هدف باید به قدر امکان تلاش و کوشش کنند، و رسیدن به این هدف مهم به هیچ وجه مستلزم این نیست که افراد و گروه‌های مختلف از بعضی اصول یا فروع مسلم خود دست بردارند، چرا که یکی از فلسفه‌های فریضه حج محکم شدن پیوندها و تفاهم بیشتر افراد مسلمین است، نه افتراق و جدایی از همدیگر، و این منظور و مقصود مهم در آیات معصومین، کلام و سیره علما و بزرگان، مورد تأکید فراوان قرار دارد که وحدت مسلمین و حسن تفاهم میان فرق اسلامی جزء منظورهای اصلی حج است (صادق زاده، ۱۳۹۴: ۴۸).

تفاهم اسلامی از منظر بزرگان

علامه فقید کاشف الغطاء جمله‌ای زیبا دارند که می‌فرماید: (بنی الاسلام علی الکلمتین: کلمة التوحید و توحید الکلمه)، یعنی اسلام بر دو اصل و فکر بنا شده است: یکی اصل پرستش خدای یگانه است، دیگری اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵). اندیشمندان و علمای اسلامی همیشه در اندیشه ایجاد وحدت و اتحاد در جوامع اسلامی بوده‌اند. با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توان دید که علمای شیعه از شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی گرفته تا بزرگانی نظیر: سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی (ره)، شهید مطهری همواره در مسیر وحدت، اتحاد و استفاده از ظرفیت حج در این امر کوشیده‌اند. در میان معاصرین هم آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای و بسیاری از مراجع و علمای شیعه و سنی در این مسیر پیشگام هستند. امام خمینی (ره) در پیامی به زائران خانه خدا سفارشات وحدت بخشی را ارائه می‌کنند، از جمله "توصیه به شرکت حجاج شیعه در جمعه و جماعات برادران اهل سنت در مکه و مدینه، و توصیه به هم‌زمانی وقوفین و عید قربان با آنها که همه این موارد نشان از اهمیت وحدت در ایام حج و دوری از تعصبات دارد (در جستجوی راه از کلام امام، ۱۳۶۲: ۱۰۹). متفکر شهید استاد مرتضی مطهری از جمله شخصیت‌هایی است

که در زمینه حج و مسائل پیرامون آن یادداشت‌هایی از خود به یادگار گذاشته است؛ در قسمتی از این یادداشت‌ها ایشان به موضوع تفاهمات اسلامی اشاره می‌کند، و حسن تفاهم و سوء تفاهم را این‌گونه معنی می‌کند: که حسن تفاهم یعنی یکدیگر را خوب فهمیدن و سوء تفاهم یعنی یکدیگر را بد فهمیدن، و در توضیح این مطلب این‌گونه بیان می‌کند که خوب فهمیدن به این است که افراد یکدیگر را آنطور که هستند بفهمند، و بد فهمیدن به این است که افراد یکدیگر را آنطور که هستند نفهمند؛ بلکه درباره یکدیگر دچار یک نوع توهماتی بوده باشند، و البته این کلمه در جایی گفته می‌شود که توهماتی که افراد درباره یکدیگر دارند از نوع سوءظن باشد؛ یعنی در زمینه بدی بوده باشد. اما اگر در زمینه خوبی‌ها و از نوع حسن ظن‌های غلط بوده باشد، سوء تفاهم نامیده نمی‌شود، یعنی اگر دو نفر به غلط درباره یکدیگر حسن عقیده پیدا کنند گفته نمی‌شود که این دو نفر نسبت به یکدیگر سوء تفاهم پیدا کرده‌اند. سوء تفاهم در هر موردی و نسبت به هر شخصی بد است؛ چرا که موجب گمراهی و ضلالت است. اگر فرض کنیم دو نفر از هر لحاظ ضد یکدیگرند، مثلاً یکی خداپرست و دیگری مادی، باز خوب است میان آن دو حسن تفاهم برقرار باشد؛ و یکدیگر را آن‌طور که هستند درک کنند، نه اینکه هر کدام نسبت به دیگری سوءظن‌ها و تصورات غلطی داشته باشند. به عقیده شهید مطهری یکی از ابتلائات مسلمانان این است که گذشته از اینکه از لحاظ پاره‌ای معتقدات تفرق و تشتت پیدا کرده‌اند، و مذهب‌ها و فرقه‌ها در میان آنها پیدا شده است دچار سوء تفاهمات زیادی نسبت به یکدیگر هستند؛ یعنی گذشته از پاره‌ای اختلافات عقیده‌ای دچار توهمات بیجای بسیاری درباره یکدیگر است. در گذشته و حاضر آتش افروزانی بوده و هستند که سعی و تلاش آنها بر این بوده، و هست که بر بدبینی‌های مسلمین نسبت به یکدیگر بیفزایند، و تهدیدی که از ناحیه سوء تفاهمات بیجا و خوب درک نکردن متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آنهاست. در اندیشه شهید مطهری مسلمانان از نظر اختلافات مذهبی طوری

نیستند که نتوانند وحدت داشته باشند؛ بلکه می‌توانند با یکدیگر برادر و مصداق "انما المؤمنین إخوة"، بوده باشند؛ زیرا خدایی که همه پرستش می‌کنند، یکی است و همه می‌گویند "لا اله الا الله" و همه به رسالت حضرت محمد(ص) ایمان دارند؛ و نبوت را به او پایان یافته می‌دانند، و دین او را خاتم ادیان می‌شناسند، همه قرآن را کتاب مقدس آسمانی خود می‌دانند، و آن را تلاوت می‌کنند، و قانون اساسی همهٔ مسلمین می‌شناسند، و همه به سوی یک قبله نماز می‌خوانند، یک بانگ به نام اذان برمی‌آورند، همه مراسم حج را مانند هم انجام می‌هند، و با هم در حرم خدا جمع می‌شوند، حتی همه خاندان نبوت را دوست می‌دارند، و به آنها احترام می‌گذارند. همهٔ اینها کافی است که دل‌های آنها را به یکدیگر پیوند دهد، و احساسات برادری و اخوت اسلامی را در آنها برانگیزد، اما به عقیدهٔ استاد مطهری توهمات و سوء تفاهمات و تصورات غلطی که فرقه‌ها و مذاهب مختلف دربارهٔ یکدیگر دارند، روابط مسلمین را روز به روز تیره‌تر می‌کند، و بین آنها فاصله و جدایی می‌اندازد. بنابر فرمایشات شهید مطهری مسلمانان باید در صدد آن باشند که شکاف‌هایی که ناشی از خوب درک نکردن یکدیگر است را از میان بردارند، و فرق و مذاهب اسلامی یکدیگر را آن‌طور که هستند بشناسند و تصور کنند و تصورات دروغ را از خود نسبت به برادران خود دور کنند، و این کار امکان‌پذیر است چون جهات اختلاف فرق و مذاهب آنقدر زیاد نیست که مانع اخوت اسلامی بشود، و جهات اشتراک آنها زیاد و نیرومند است که می‌تواند آنها را به هم پیوند بزند. شهید مطهری در مجموعه یادداشت‌های خود، حج را در چند قسمت مطرح می‌کند:

۱. یکی از هدف‌های اسلام که از مسلمین تأمین آن را خواسته است، اتحاد و اتفاق مسلمین است؛

۲. یکی از فلسفه‌های فریضه حج محکم شدن پیوندها و تفاهم بیشتر افراد مسلمین است؛

۳. بررسی انواع توهمات و سوء تفاهماتی که دیگران دربارهٔ ما دارند؛

۴. بررسی سوء تفاهماتی که شیعیان نسبت به اهل سنت دارند؛

۵. راه‌های عملی برای کاستن و از میان بردن سوء تفاهمات (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵).

یکی دیگر از بزرگانی که همه‌ساله بیانات و سفارشات فراوانی نسبت به اهمیت حج و ایجاد روحیه برادری و برابری بین مسلمانان را دارد، آیت‌الله خامنه‌ای است ایشان درباره فلسفه اجتماع عظیم امت اسلامی در یک زمان و یک مکان واحد چنین بیان می‌کند: و اما اینکه امت اسلامی کسانی از خودشان را در یک روز به یک نقطه می‌فرستند تا آنها با هم اجتماع کنند این اجتماع برای چیست؟ جواب این است که جمع شدن افرادی از همه ملت‌ها در یک نقطه آن هم یک نقطه مقدس فقط می‌تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد، و آن فایده و معنا این است که دور هم جمع می‌شوند تا درباره سرنوشت امت اسلامی تصمیم‌گیری کنند، و در این مجمع به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود، و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد. این کار سازنده و مثبت به چه کیفیتی می‌تواند باشد؟ به این کیفیت که یک وقت است که ملت‌های اسلامی آنقدر پیشرفته‌اند که وقتی در حج جمع شدند، در خلال این کنگره عظیم مردمی از برگزیدگان ملت‌ها مجلس مفصل چند هزار نفره‌ای تشکیل شود، و این مجلس مصوباتی داشته باشد، و آن مصوبات در همان کنگره عظیم به تصویب آحاد حجاج آمده از کشورها برسد، و بعد برای اجرا به دولت‌ها و ملت‌ها ابلاغ شود، این بهترین کار است که متأسفانه امروزه عملی نیست، زیرا، ملت‌ها هنوز در این زمینه آنقدر پیش نرفته‌اند، به خصوص که دولت‌ها هم به آنها کمکی نمی‌کنند، اما تا وقتی که چنان تصمیم‌گیری عملی در موسم حج امکان ندارد کار واجب در آنجا چیست؟ این است که ملت‌ها به هر نحو که بتوانند نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند، و ضمن تأکید بر وحدت بین خود به اظهار براءت از دشمنان دنیای اسلام بپردازند؛ این کم‌ترین کاری است که می‌شود در حجی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقع بود (بیانات در دیدار مسئولان حج، ۱۳۷۳). در این اندیشه مهم‌ترین کارکرد حج فراهم

آمدن زمینه تبادل افکار و نظرات مسلمانان سراسر جهان است، که در این اجتماع عظیم می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، و به ابراز مشکلات و بیان راهکارهای رفع آن بپردازند. هر چند عوامل اتحاد بخش یا به موازات آنها فضاهای بسیار مساعدی را برای بروز در بطن عوامل اتحاد بخش یا به موازات آنها فضاهای بسیار مساعدی را برای بروز از هم گسیختگی و تجزیه در جهان اسلام فراهم می‌کند. تعصبات یا وابستگی‌های بومی (مذهبی، زبانی، نژادی) به ویژه در برهه‌های ضعف و انحطاط زمینه را برای از هم گسیختگی و تجزیه فراهم می‌کند. از سوی دیگر تأکید و تلاش بر حفظ هویت فرهنگی-عقیدتی و فقدان تأثیرپذیری و گفت‌وگو با سایر فرقه‌ها، عقاید و نحله‌های اسلامی و سایر فرهنگ‌ها، مانعی در تبادل فرهنگی بین ملت‌ها به شمار می‌آید، و لذا مقام معظم رهبری همواره یکی از توطئه‌های استعمار و دشمنان اسلام را ایجاد اختلاف در صفوف مسلمین ذکر می‌کند، و مسلمانان را به رعایت اصول مشترک دعوت می‌کند، و از ایجاد تفرقه و جدایی برحذر می‌فرماید، که حجاج باید قلوب یکدیگر را به هم نزدیک کنند، و ارتباط قلبی پیدا کنند و از بیان مسائل اخلاقی بپرهیزند، و در بیاناتی مهم می‌فرمایند: ارتباط آحاد امت اسلامی ارتباط قلبی است؛ این با ارتباط آحاد ملت‌ها با یکدیگر حاصل می‌شود. در دیدار با برادران مسلمانی که از دیگر کشورها آمده‌اند، آنهایی که اهل زبان‌اند و می‌توانند حرف بزنند، با زبان اظهار محبت بکنند، اظهار تعارف بکنند، بر روی نقاط مشترک تکیه کنند، آنهایی که اهل حرف زدن نیستند، با عمل، جا بدهید، مهربانی کنید، محبت کنید، بعضی از سختی‌ها و خشونت‌ها را تحمل کنید، یکی ممکن است طعنه بزند شما در مقابل لبخند بزنید، در عمل سعی کنید این ارتباط به وجود بیاید، نه فقط برای اینکه آبرو و عزت ایران و ملت ایران را حفظ کنید، بلکه برای اینکه این ارتباط قلبی برقرار شود. اهل هر نژادی است، اهل هر زبانی است، اهل هر مذهبی است، مسلمان است، او هم مانند شما به عشق کعبه آمده، به عشق پیغمبر آمده، او هم دارد همین راه را می‌رود، او هم با خدای متعال دارد حرف می‌زند.

هر چه می‌توانید این وجه مشترک را به رخ یکدیگر بکشید، بفهمند این وجه مشترک وجود دارد. وقتی مسلمان در اقصی نقاط عالم احساس کرد که در کشورهای دیگر، در ملت‌های دیگر برادرانی دارد، قوت روحی پیدا می‌کند، اعتماد به نفس پیدا می‌کند، از ضعفی که دست‌های خبیث مستکبر بر مسلمان‌ها تحمیل کرده‌اند، خودش را نجات می‌دهد؛ این حالت باید تقویت شود (بیانات در دیدار با مسئولین حج، ۱۳۹۱).

موانع دیپلماسی فرهنگی

تعصب

تعصب و عصبیت در اصل از ماده «عصب» به معنی رگ‌ها و پی‌هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می‌دهد، سپس هرگونه ارتباط و به هم پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده‌اند. اما معمولاً این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار می‌رود. تعصب و تحجر به معنای ایستایی، تحول‌ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش‌های حق و متعالی است که هم در ساحت بینش و دانش (تحجر) و هم در حوزه گرایش و رفتار (جمود) بروز و ظهور دارد؛ و عقل و دل و ابزارهای معرفت‌یاب و منابع شناخت‌زا را نیز شامل می‌شود (مطهری، ج ۱۹: ۱۱۰). ابن منظور در مورد معنای لغوی عصبیت می‌گوید^(۱): عصبه خویشاوندان پدری هستند؛ و در پی آن شخص به دنبال طرفداری و دفاع از قوم و قبیله خود است، چه ظالم و چه مظلوم (لسان العرب، ج ۱). براساس این گفته‌ها واژه تعصب به معنای آن است که شخص نسبت به چیزی واکنش‌های عاطفی و احساسی به دور از هرگونه معیار عقلانی و عقلایی داشته باشد، در حقیقت احساسی قوی، شدید و عاطفی است که برگرفته از وابستگی شدید به امری است. واژه تعصب در امور زیادی نظیر امور اعتقادی و معرفتی به کار می‌رود، و بنا بر این تعریف می‌توان گفت تعصب خصلتی است که شخص را به حمایت بی‌چون و

۱. إن يدعوا الرجال إلى نصره عُصْبَةٌ و التَّأَلُّبُ معهم علی من یناویهم ظالمین او مظلومین

چرا از خانواده و خویشان چه ظالم باشند و چه مظلوم و اदार می سازد؛ البته این تعصب تنها نسبت به خویشان نزدیک نیست، بلکه گاه نسبت به قوم و قبیله، یا کشور، یا نژاد و یا فرهنگ و زبان می تواند تحقق یابد. از این رو، شخص بی هیچ دلیل عقلی و یا عقلایی و تنها بر پایه احساس و عواطف برخاسته از تعصبات خویشی و قومی، نژادی به دفاع از وی می پردازد. تعصب مردم زمانی خود را نشان می دهد که از تماس با گروه های متفاوت خودداری و یا دوری کنند. مشکلات مربوط به این نوع تعصب آشکار و واضح است. وقتی افراد متعصب از افراد دیگر جدا هستند، چگونه تعامل برقرار می کنند، یا مشکلات خود را حل کرده و مناقشه های جدیدی را حل می کنند؟ اگر از مردم دوری کنند و راه های دوستی را مسدود کنند، دیگر نمی توانند از دیگران چیزی بیاموزند، یا از آنها حمایت و یا آنها را تشویق کنند. تاریخ نشان داده است اگر تعصب اوج بگیرد و کنترل نشود، غالباً به خشونت و سختی منجر می شود، و حتی به درگیری های فیزیکی می رسد، و در مواردی مشاهده شده است افرادی در اثر تعصب زیاد کتاب های مقدس دیگران را مورد هتک حرمت قرار داده اند و آتش زده اند (صادق زاده، ۱۳۹۴: ۵۳).

تعصب در آیات و روایات

در بررسی آیات قرآن گوشه ای از ادعاهای بی دلیل جمعی از یهود و نصاری را می بینیم که نتیجه اش انحصارطلبی و سپس تعصب است. در آیه ی ۱۱۳ سوره بقره می فرماید^(۱): یهودیان گفتند: مسیحیان هیچ موقعیتی نزد خدا ندارند، و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند و بر باطلند. جمله "لیست... علی شیء" اشاره به این است که آنها در پیشگاه خدا مقامی ندارند، یا اینکه دین و آیین آنها چیز قابل ملاحظه ای نیست، سپس اضافه می کند: آنها این سخن را می گویند، در حالی که کتاب آسمانی را می خوانند، یعنی با در دست داشتن کتاب الهی که می تواند راهگشای آنها

۱. ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ

در این مسائل باشد. این گونه سخنان که سرچشمه‌ای جز تعصب و عناد و لجاج ندارد بسیار عجیب است. این آیه سرچشمه اصلی تعصب را جهل و نادانی معرفی کرده است؛ زیرا افراد نادان همواره در محیط زندگی خود محصورند، و غیر آن را قبول ندارند، به آیینی که از کودکی با آن آشنا شده‌اند هرچند خرافی و بی اساس باشد، سخت دل می‌بندند، و غیر آن را منکر می‌شوند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱، ۱۳۷۴: ۴۰۷). هنگامی که پیامبر اسلام مشرکین را به آیین یکتاپرستی دعوت می‌کرد آنها بنا به محدودیت فرهنگی و فکری که داشتند، نظر به تعصب قومی پاسخ می‌دادند، رفتار و عقاید ما همان است که پدران ما داشته‌اند، و هرگز تغییر مسلک نخواهیم داد. بنابراین، از پندها و اندرزهای رسول خدا(ص) جز فریاد دعوت چیزی نمی‌شنیدند؛ درست مانند گوسفندانی که سخت سرگرم چرا باشند و گاهی فریاد چوپان را بشنوند، ولی هرگز به آن توجه نکرده، و به راه خود ادامه دهند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۵، ۱۳۷۴: ۳۵۶). یکی از بزرگ‌ترین خطبه‌های حضرت علی (ع) در نهج‌ابلاغه خطبه قاصعه است؛ که متضمن نکوهش ابلیس است، در مقدمه این خطبه مرحوم سید رضی می‌فرماید^(۱): شیطان اول کسی است که تعصب قبیله‌ای و نژادی را اظهار کرد؛ این تعصب نژادی الآن هم در دنیا وجود دارد، مثلاً اینکه: سفید پوستان بر سیاه پوستان ادعای تفوق و برتری نژادی دارند، و یا یهودی‌ها عقیده‌شان این است که نژاد یهود برتر از تمام نژادها است و همه نژادهای دیگر نسبت به آنها مثل حیوانات هستند، اصلاً در تعلیمات تلمود یهود رسماً این معنا گنجانیده شده که سایر نژادها مثل حیوانات هستند، برای شما که هر نحو استفاده‌ای خواستید از آنها بنماید مانعی ندارد، و مسخر هستند، این منطقشان است، تعلیماتشان و فرهنگشان فرهنگ برتری نژادی است. این کلمه عصیبت هم از این روست که وقتی کسی می‌خواست افتخار کند می‌گفت: من عمومیم فلانی است، پدر یا برادرم فلانی است، بعد هم هر وقتی می‌خواست با قبیله دیگر نزاع

۱. "انه اول من اظهر العصبیه"

کند می‌رفت سراغ خویشان خود و آنها را به جان آن قبیله می‌انداخت. لذا، به این اعتبار می‌گویند عصبیت یعنی افتخار کردن و استعانت به وسیله عصبه و قوم و خویش‌های پدری. و این تعصب به معنای برتری نژادی اولین بار توسط شیطان اظهار شد، آنجا که خداوند متعال به ملائکه دستور سجده به آدم را داد و همه سجده کردند؛ به جز ابلیس که گفت من برتری نژادی دارم، نژاد من از آتش است ولی نژاد آدم از خاک است، و چون آتش از خاک برتر است، لذا، سجده نمی‌کنم، و حضرت علی بعد از بیان این مطلب می‌فرماید^(۱): شیطان که دشمن خداست امام و پیشوای افرادی است که تعصب به خرج داده، و فخر فروشی می‌کنند. بنابراین، از نگاه امام علی (ع) شیطان کسی است که^(۲): ریشه عصبیت دارد و تعصبات را بنیان‌گذاری کرد (منتظری، ۱۳۶۸: ۱۰). در حدیثی از امام سجاد(ع) می‌خوانیم که از آن حضرت درباره تعصب سؤال کردند، ایشان فرمودند^(۳): تعصبی که انسان به خاطر آن گناهکار می‌شود، این است که اشرار قومش را بهتر از نیکان قوم دیگر بدانند، اما اینکه انسان قوم و قبیله خویش را دوست دارد عصبیت نیست، عصبیت آن است که انسان قوم و قبیله خود را در ستمگری یاری دهد (کلینی، ج ۲: ۲۳۳). بدون شک انسان به هر سرزمین یا قبیله یا نژادی تعلق داشته باشد نسبت به آن عشق می‌ورزد؛ و این پیوند علاقه او با سرزمین و قوم و نژادش نه تنها عیب نیست، بلکه عامل سازنده‌ای برای همکاری‌های اجتماعی او است؛ ولی اگر این امر از حدش بگذرد، به صورت مخرب و گاه فاجعه آفرین در خواهد آمد، و منظور از تعصب نژادی و قبیله‌ای که مورد نکوهش قرار می‌گیرد، همین افراط است. دفاع افراطی از قوم و قبیله، و نژاد و وطن، سرچشمه بسیاری از جنگ‌ها در طول تاریخ بوده

۱. "فعدو الله امام المعتصبین"

۲. "الذی وضع اساس العصبیه"،

۳. العصبیة التي یأثم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیرا من خیار قوم آخرین، و لیس

من العصبیة ان یحب الرجل قومه، و لکن من العصبیة ان یعین قومه علی الظلم

است، و عاملی برای انتقال خرافات و زشتی‌ها تحت عنوان آداب و سنن قبیله و نژاد به اقوام دیگر شده است؛ این دفاع و طرفداری افراطی گاه به جایی می‌رسد که بدترین افراد قبیله در نظر او زیبا و بهترین افراد قبیله دیگر در نظر او زشت و شوم است و همچنین آداب و سنت‌های زشت و زیبا و به تعبیر دیگر تعصب نژادی پرده‌ای است، از خودخواهی و جهل که بر روی افکار و درک و عقل انسان قرار می‌گیرد، و قضاوت صحیح را از کار می‌اندازد، این حالت عصبیت در میان بعضی اقوام صورت حادثی دارد، از جمله گروهی از اعراب که به تعصب معروف و مشهورند (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۵، ۱۳۷۴: ۳۵۴).

تعصب مانعی برای دیپلماسی فرهنگی

گفته شد که نژادپرستی باوری است که بر حسب آن یک گروه نژادی خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند؛ و عنصر اصلی و اساسی تفکر نژادپرستان که معرف فرهنگ آنها هم است، همین برتری نژادی است. نژادپرستان با این تفکر ضد انسانی منکر برابری انسان‌ها و حقوق مساوی برای آنها می‌شوند، و همیشه خود را برتر از دیگران می‌دانند، و روشن و آشکار است که وقتی این تفکر غلط به صورت اعتقاد نهادینه شود، مانع اصلی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر می‌شود. از دیدگاه بروس کوئن نژادپرستی بر این اعتقاد مبتنی است که یک گروه نژادی از گروه‌های نژادی دیگر برتر است و هر گروهی تصور می‌کند که قیافه ظاهری و فرهنگ اجتماعی‌اش از دیگر گروه‌ها برتر است. گروه مسلط در هر جامعه‌ای با این استدلال که اعضای گروه اقلیت از نظر هوشی پست‌ترند، و لیاقت و قابلیت کافی برای خدمات به خود و جامعه را ندارند، نژادپرستی خود را توجیه می‌کنند. به اعتقاد بروس کوئن زمانی که یک گروه قومی یا نژادی شیوه زندگی خودش را برتر می‌داند، و معتقد است که اعضایش از نظر هوش از گروه‌های دیگر بالاترند، به سختی می‌توان آنها را مجاب کرد که سبک زندگی واقعیشان را درست ارزیابی کنند، وقتی که هر دو گروه احساس

می‌کنند، که از دیگری باهوش‌ترند چگونه میتوان آنها را به سازش و قبول دگرگونی در روابطشان وادار کرد. دگرگونی اجتماعی در این زمینه تنها زمانی می‌تواند پیش آید که گروه‌ها بخواهند، بدون توجه به نژاد یا ملیت دیگری، همدیگر را بشناسند. اگر دو طرف نخواستند باشند دستاوردها و ظرفیت‌های فکری یکدیگر را به رسمیت بشناسند، چگونه می‌توانند دربارهٔ همدیگر اطلاعات مبادله کنند (بروس کوئن، ۱۳۸۳: ۲۶۵). بدون شک نژادپرستی یکی از پدیده‌های شومی است، که پراکندگی و گروه‌گرایی را در پی دارد. امروزه نژادپرستی در مواردی نظیر: برتری زبان، نژاد، خاک و خون، ملت، تبار خودنمایی می‌کند؛ که طی آن ملتی خود را برتر از دیگر ملت‌ها می‌داند، و از مهم‌ترین عوامل تفرقه و جدایی بین ملت‌ها و امت‌ها است، که می‌شود آن را از موانع اصلی دیپلماسی و ایجاد تفاهم بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها دانست، و لذا این پدیده نزد عقل و شرع مردود و مذموم است.

به این ترتیب تعصب را می‌توان یکی از موانع اصلی ارتباط بین فرهنگ‌ها دانست؛ لذا، تأثیر منفی نژادپرستی بر ارتباط بین فرهنگ‌ها را می‌توان در چند مورد بیان کرد: اول، اعتقادات نژادپرستی دربارهٔ فرهنگ یک شخص نوعی احساس اجتماعی و هویت به وجود می‌آورد؛ که بسیار محدود و تدافعی است. دوم، نژادپرستی معمولاً مستلزم ادراک و شناخت اعضای فرهنگ‌های دیگر بر حسب کلیشه‌ها است. سوم، نژادپرستی چنان است که قضاوت‌های مقایسه‌ای بین فرهنگ یک فرد و فرهنگ‌های دیگر با این تصور انجام می‌گیرد، که فرهنگ آن فرد عادی و طبیعی است، در نتیجه قضاوت‌های نژادگرایانه معمولاً مستلزم مقایسه‌های کینه‌توزانه است، که در آن فرد فرهنگ خود را برتر دانسته، و فرهنگ دیگران را تحقیر می‌کند. همچنین نژادپرستی شدید منجر به اعتراض و عدم پذیرش غنای فرهنگی و دانش فرهنگ‌های دیگر می‌شود. این موضوع مانع ارتباط و مبادلهٔ نظرات و مهارت‌ها در بین مردم می‌شود، چون نژادپرستی دیدگاه‌های دیگر را در نظر نمی‌گیرد و گرایش آن محدودکننده و انحصارگرا است

خشونت و افراطی‌گری ثمرهٔ تعصب

یکی از مشکلات جدی که در اثر نژادپرستی افراطی و ملت‌گرایی نصیب جامعهٔ بشری شده، و مخصوصاً جهان اسلام با آن مواجه شده است، خشونت و افراط‌گرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. خشونت و افراط‌گرایی علاوه بر، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، فرهنگ و میراث مشترک بشری را مورد حمله قرار داده است. افراط‌گرایی و خشونت طلبی یکی از حادثترین مشکلاتی است که نه تنها منطقهٔ خاورمیانه بلکه تمامی جهان را تهدید می‌کند؛ این خطر جدی و بزرگ که عامل ویرانی‌های زیادی در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای اسلامی شده، سایهٔ شوم خود را بر سراسر جهان گسترده است، فراگیر بودن افراط‌گرایی و خشونت‌طلبی روشن ساخته که چه آثار مخربی می‌تواند برای زندگی انسان‌ها نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در بسیاری از دیگر مناطق جهان داشته باشد. اعمال وحشیانه و خشونت‌باری که توسط افراطیون در نقاط مختلف دنیا صورت گرفته و تلاش‌های آنها در جهت تخریب آثار و اماکن اسلامی در مناطق مختلف دنیا، جهان اسلام را تکان داده است. جنایات و اعمال غیرانسانی فراوان نظیر قتل، تجاوز جنسی، شکنجه و برده کردن انسان‌ها که بیش‌رمانه توسط افراطیون انجام می‌شود؛ خطر تفکرات افراطی این افراد متعصب و خشک مغز را آشکار کرده است، همهٔ این موارد نشانه‌های هشدار دهنده‌ای برای مسلمانان است که از ظرفیت‌های موجود در دین اسلام به درستی استفاده کنند و با وحدت و یکدلی ریشه‌های تفکرات افراطی را بخشکانند. تخریب مساجد تاریخی، بقاع متبرکه، کلیساها، مقابر باستانی و معابد و بی‌حرمتی به آنها و تخریب آثار باستانی که معرف میراث غنی فرهنگی اسلام است نشان می‌دهد که از نگاه افراطیون هیچ مذهب و مسلکی ارزش ندارد. ارزش‌ها و اصول انسانی مانند: عدالت، مهربانی، صداقت، عشق به هم‌نوع، صبر، بردباری و... در کلیهٔ ادیان و مذاهب به‌ویژه اسلام وجود داشته‌اند؛ اما با این وجود،

در قرون گذشته یک گروه کوچک و عوام فریب با سوابقی مشکوک و با این بهانه که باید چهره دین پیراسته شود، شروع به ارائه چهره‌ای غیر واقعی از اسلام کرده‌اند، آنها برای رسیدن به اهداف سیاسی و اغراض کوتاه‌بینانه خود در جهت منقلب کردن پیام اسلام و تحریف تعالیم دینی کوشیده‌اند و تلاش کردند، تا رحمانیت و عطوفت را از دین بزدايند. بر همین اساس، گروه‌های تکفیری و پیروانشان نسبت به کسانی که با چنین تفسیری از دین همراه نشدند، سخت‌گیری کردند و آنها را خارج از دین شمردند. افراطیون با توجه به این چنین تفسیر بی اساسی اقدام به رد و نفی روایت‌های غیر همسو و متعارض با نظرات خود کردند و به تکفیر همه کسانی پرداختند که یا اعتقادات متفاوتی داشتند یا به یک گروه جمعیتی متفاوت متعلق بودند. ادعای آنها این است که، تنها خود درک درستی از اسلام دارند و تمامی حقیقت در تملک و اختیار آنهاست. همین تفکر اساس و ریشه افراطی‌گری و خشونت‌طلبی است، و تمام معضلات و مشکلات کنونی در منطقه و جهان از چنین نگرشی ریشه گرفته‌اند و تا زمانی که چنین تفسیری از دین در میان گروه و جماعت کوچکی وجود داشته باشد، افراط‌گری و خشونت هم در جهان وجود دارد، و مسیر رسیدن به تفاهم متقابل همیشه مسدود است، و در نتیجه هیچ‌گونه ارتباطی بین فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف صورت نمی‌گیرد. اما مشکل بزرگ‌تر زمانی نمایان می‌شود، که صاحبان ثروت و قدرت عهده‌دار اشاعه این تفاسیر جاهلانه در کشورهای اسلامی دور و نزدیک و تحمیل آن به مردم در جوامع فقیر به مدد پول و تبلیغات شوند، و از ثروت و قدرت خود اهداف سیاسی و اغراض دنیایی را دنبال کنند. از اینجاست، که متأسفانه افراد و گروه‌هایی که به خاطر شرایط اجتماعی و اقتصادی در برابر تفکرات افراطی آسیب‌پذیر هستند، به طرف این گروه‌ها گرایش پیدا می‌کنند و از طرفی بسیاری از کسانی که به تفاسیر تکفیری اعتقاد دارند، گرفتار تعصبات قومی، مذهبی هستند و استفاده از زور و خشونت‌طلبی را برای تبلیغ و ترویج نظراتشان جایز می‌دانند، و برای رسیدن به اهدافشان دست به اسلحه

می‌برند و اعمال خشونت بار انجام می‌دهند. همه می‌دانند گروه‌های افراطی بیشتر از اختلاف و آشوب تغذیه می‌کنند، و به مدد بی‌ثباتی و آشوب رشد کرده و خود را تثبیت می‌کنند. با نگاهی به فعالیت‌های خشونت بار گروه‌های افراطی در طول دوران تشکیل این تفکرات می‌توان فهمید که وجود و اهداف این گروه هیچ ربطی به اسلامی که توسط قرآن مجید و رسول اکرم پایه‌گذاری شده ندارد، این گروه‌ها از اسلام به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری پول و کسب قدرت استفاده می‌کنند، و این در حالی است که اسلام دین رحمانیت، عقلانیت و دین بردباری و شفقت است. اکثریت مسلمانان در سراسر جهان اهل رفق، مدارا و شکیبایی و سایر صفات انسانی هستند؛ و ویژگی‌هایی که بندگان خدا باید برای رستگاری اُخروی داشته باشند را دارا هستند، ولی اندک نگاهی به رفتار افراطیون نشان می‌دهد که اعمال آنها با آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر مغایرت دارد، و اکثر انسان‌ها از اعمال و رفتار افراطیون و همفکرانشان منزجر هستند، و رفتار آنها را مغایر با اصول انسانی می‌دانند. مسلمانان و پیروان دیگر ادیان و مذاهب طی قرن‌ها در کنار هم به طور مسالمت آمیز زندگی کرده‌اند، وجود زیارتگاه‌ها و آثار تاریخی خاورمیانه شاهد گویایی بر همزیستی مسالمت آمیز مردمان گوناگون در این منطقه است، تخریب این یادگارهای بسیار با ارزش گذشته توسط افراطیون نشان می‌دهد، که اینها تا چه حد نسبت به دین اسلام و روند غالب در دنیای اسلام بیگانه هستند. این افراد لجوج، عنود و متعصب که اصول اساسی اسلام را که در حقیقت ریشه در رحمانیت و نوع دوستی دارد مورد تأکید قرآن و سنت رسول اکرم قرار گرفته‌اند، نقض می‌کنند و برای از بین بردن حقیقت اسلام و تبدیل آن به وسیله‌ای برای کسب ثروت و قدرت مسابقه گذاشته‌اند. اصولاً، هر گروه افراطی صرف نظر از اینکه چه فکر و اعتقادی داشته باشد، به مرور زمان می‌تواند به یک فرقه مخرب تبدیل شود؛ سران این گروه‌ها از راهکارهای ویژه‌ای برای عضوگیری و کنترل ذهن اعضا و واداشتن آنها به ارتکاب انواع جنایات استفاده می‌کنند، و در حفظ مناطق تحت سیطره خود از طریق

ارباب و خشونت بی حد و مرز می کوشند. بر همین اساس، جهان اسلام باید به این باور برسد، که برای رسیدن به تفاهم متقابل بین فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف و به دنبال آن ثبات و آرامش در کل جهان، راهی جز وحدت بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی و نفی خشونت و افراطی‌گری و همچنین دوری از تعصبات پوچ قومی، مذهبی وجود ندارد و این گونه است که می‌شود نقش مؤثر و مفیدی در راستای ایجاد صلح بین المللی ایفا کرد. هرچند امروزه در شرایطی قرار داریم که دغدغه اصلی نظام بین الملل افراط و خشونت نیست؛ بلکه دغدغه بزرگ این است که خشونت، قتل، و افراط از سوی گروه‌ها، امری عادلانه و اخلاقی تلقی می‌شود؛ و حتی برخی از دولت‌ها منابع مادی و معنوی خود را در ترویج این ایده و حمایت از این جریان‌ها به کار می‌گیرند، و این وضعیت اگر چه تهدیدی عظیم را متوجه جامعه جهانی می‌کند، اما می‌تواند فرصتی باشد تا جامعه جهانی چشم خود را به شرایطی که دیده نشده و محرک افراطی‌گری موجود است باز کند، و برای آن چاره‌ای بیندیشد. در همین راستا استفاده از ظرفیت عظیم حج برای ریشه کن کردن خشونت و افراطی‌گری بسیار راهگشا است؛ به این صورت که مسلمانان از فرصت اجتماع میلیونی در یک مکان معنوی و تربیتی برای بازسازی قوت و قدرت خویش و تقویت پیوند اتحاد و برادری و همچنین تقویت و گسترش هویت فرهنگی اسلام بهره کافی را ببرند؛ رسیدن به این هدف در ایام حج کاملاً ممکن و شدنی است، چرا که در هیچ دین و مکتبی اجتماعی با این وسعت و عظمت در یک مکان و یک زمان بی نظیر است. اهمیت این مطلب در این حد است که حتی یکی از سیاستمداران انگلستان در مجلس این کشور به آن اشاره می‌کند و می‌گوید مادامی که نام محمد(ص) در مأذنه به عظمت یاد می‌شود، و قرآن برنامه زندگی مسلمانان است و حج برگزار می‌شود، جهان مسیحیت در خطر بزرگی است، و یا آن مسیحی دیگری که می‌گوید وای بر مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، و وای بر دیگران اگر مسلمانان معنی حج را بفهمند ((مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱، ۱۳۷۴:

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در کاهش تعصبات

در اندیشه بسیاری از بزرگان و علمای علوم اجتماعی برای اینکه فرهنگی وجود و دوام داشته باشد باید مطمئن شد عناصر و پیامهای مهمش منتقل می‌شود، همچنین اگر ارزش‌ها و عناصر دیرپا و بنیادینی در یک جامعه وجود داشته باشد، باید از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. از نظر این اندیشمندان ارتباط باعث می‌شود فرهنگ یک فرآیند پیوسته باشد، چون زمانی که عادات فرهنگی، اصول، ارزش‌ها، برخوردها و مشابه اینها تدوین می‌شوند با هر یک از اعضای فرهنگ ارتباط برقرار می‌کنند (لاری و همکاران، ۱۳۷۹: ۹۰). حضرت علی (ع) کعبه را نشانه و پرچم اسلام معرفی می‌کند؛ و می‌فرماید^(۱): کعبه به مثابه پرچم اسلام و نماد و نشانه اسلام است. پرچم نماد تسلط و اقتدار یک مجموعه است و اهتزاز آن نیز نماد حاکمیت آن تفکر و اندیشه است. پرچم محل اتحاد و انسجام جامعه است که تمام اعضای آن را با تمام اختلاف‌ها به زیر یک بیرق، متحد و منسجم می‌کند. لذا، کعبه علم و نشان اسلام است؛ و به گفته پروفیسور نصر نماد تمدن اسلام رودخانه‌ای جاری نیست، بلکه بنایی مکعب شکل است که ثبات آن نماد و خصیصه تغییرناپذیری دائمی اسلام است (نصر، ۱۳۵۹: ۱۷۰). علاوه بر کعبه که اصلی‌ترین نماد اسلام است؛ همه مشاعر مقدس نظیر صفا و مروه، عرفات، مشعر و منا نمادهای اسلام هستند؛ لذا، قرآن (بقره/۱۵۸) می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ از طرفی با زنده نگه‌داشتن و توجه به نمادها می‌توان در فراز و نشیب‌های اجتماعی، تاریخی، برخوردها و تعارض‌های فرهنگی خط اصلی ارزش‌ها و فرهنگ‌ها را پیدا کرد؛ و به نسل‌های بعد منتقل کرد، که نماد سریع‌ترین و آسان‌ترین راه دستیابی و حفظ فرهنگ‌ها هستند، و با ویژگی ایجاز و در عین حال جامعیت خود بهتر می‌توانند

۱. "جعله سبحانه و تعالی علما للاسلام"، (نهج البلاغه / خطبه اول).

فرهنگ را به دیگران و نسل های آینده انتقال دهند. حج، در حقیقت پیام متعال به پیامبر خود است که از رهگذر نمادهای گوناگونی که در فرهنگ اسلام، شعائر الهی و آیات بینات خوانده می شوند، در قالب مناسک به مردم منتقل می شود. خداوند محتوای این پیام را با ارائه نمادهای مختلف و رفتارهای نمادین گوناگون به حج گزار منتقل می کند؛ زیرا، بهترین، ساده ترین، و قابل فهم ترین روش برای سطوح فرهنگی و شناختی مردم بهره گیری از نماد و رفتارهای نمادین است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). برخی از این رفتارهای نمادین در حج را در کلام امام صادق (ع) می توان مشاهده کرد، آنجا که می فرماید^(۱): وقتی که اراده حج کردی قبلاً خانه دل را از هر شاغل و حاجبی که تو را

۱. إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ حَجِّبْ كُلَّ حَاجِبٍ وَ قَوِّضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَيَّ خَالِكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ وَ سُكُونِكَ وَ سَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَ حُكْمِهِ وَ قَدْرِهِ وَ دَعِ الدُّنْيَا وَ الرَّاحَةَ وَ الْخَلْقَ وَ أَخْرِجْ مِنْ حُقُوقِ تَلَزُّمِكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ وَ لَا تَعْتَمِدْ عَلَيَّ زَادِكَ وَ رَاحِلَتِكَ وَ أَصْحَابِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ شَبَابِكَ وَ مَالِكَ مَخَافَةَ أَنْ تَصِيرَ ذَلِكَ أَعْدَاءً وَ بَالًا لِيَعْلَمَ أَنَّهُ لَيْسَ قُوَّةً وَ لَا حِيلَةً وَ لَا حُدًّا إِلَّا بِعِصْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْفِيقِهِ وَ اسْتِعْدَادِ مَنْ لَا يَزْجُو الرُّجُوعَ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ وَ رَاعِ أَوْقَاتَ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَ الْإِحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الشَّفَقَةِ وَ السَّخَاءِ وَ إِيْتَارِ الرَّأدِّ عَلَيَّ دَوَامِ الْأَوْقَاتِ ثُمَّ اغْتَسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ ذُنُوبَكَ وَ الْبَسْ كِسْوَةَ الصِّدْقِ وَ الصَّفَاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ وَ أَحْرِمْ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَحْبِبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ وَ لَبِّ بِمَعْنَى إِجَابَةِ صَافِيَةٍ خَالِصَةٍ زَاكِيَةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دَعْوَتِكَ لَهُ مُتَمَسِّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ طُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ وَ هَرُولَ هَرُولَةً فَرًّا مِنْ هَوَاكِ وَ تَبَرِّيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ أَخْرِجْ مِنْ غَفْلَتِكَ وَ زَلَاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَيَّ مَنِيًّا وَ لَا تَمَنَّ مَا لَا يَجِلُّ لَكَ وَ لَا تَسْتَحِفَّهُ وَ اعْتَرِفْ بِالْخَطِيئَاتِ بِالْعَرَفَاتِ وَ حُدِّدْ عَهْدَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ تَقَرَّبْ إِلَيْهِ وَ اتَّقِهِ بِمُزْدَلِفَةَ وَ اصْعُدْ بِرُوحِكَ إِلَيَّ الْمَلَا الْأَعْلَى بِصُعودِكَ إِلَيَّ الْجَبَلِ وَ ادْبَعْ حَنْجَرَةَ الْهَوَى وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الدَّبِيحَةِ وَ ارْمِ الشَّهَوَاتِ وَ الْحَسَاسَةَ وَ الدَّنَاءَةَ وَ الْأَفْعَالَ الدَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمَى الْجَمْرَاتِ وَ احْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ بِحَلْقِ شَعْرِكَ وَ ادْخُلْ فِي أَمَانِ اللَّهِ تَعَالَى وَ كَنَفِهِ وَ سِتْرِهِ وَ حِفْظِهِ وَ كِلَالِهِ مِنْ مُتَابَعَةِ مُرَادِكَ بِدُخُولِ الْحَرَمِ وَ زُرِ الْبَيْتَ مُتَحَفِّفًا

گردش کن، و هروله کن اما هروله‌ای که در معنا گریختن از هوای نفس و بیزاری جستن از تمام حول و قوه‌ات باشد. با بیرون رفتن از مکه به منا از غفلت و لغزش‌های خود بیرون آی و هرگز آرزوی آنچه را که بر تو حلال نیست و یا شایستگی آن را نداری ننما، و در عرفات اعتراف به خطیئات و گناهان کن و تجدید عهد عبودیت و اقرار به وحدانیت حضرت حق کن، و خود را به مقام قرب خدا برسان. در مزدلفه، شعار تقوای خدا را در دل بگیر و با صعود به کوه مشعر روح خود را به سوی عالم بالا حرکت بده، و با کشتن قربانی حنجره هوی را بریده و رگ‌های طمع را قطع کن. هنگام رمی و سنگ انداختن بر جمرات افعال زشت و اخلاق ناپسند و دنائت، پستی، شهوت پرستی‌ها را از خود دور انداز، و طواف وداع را حاکی از وداع ماسوی الله قرار داده، و با هر چه که جز خداست وداع نما، و با وقوف در کوه صفا در تصفیة روح و تهذیب سرّ خود بکوش و خود را برای لقای خدا در روز لقا آماده کن. به مروه که رسیدی مروت کن و اوصاف خود را در جنب اراده حق فانی ساز و به عهدی که با خدا بسته و حج خود را مشروط به آن بجا آورده‌ای تا روز قیامت مستقیم و وفادار بمان، و بدان سرّ اینکه خدا حج را واجب کرده و آن را در میان تمام طاعات به خودش نسبت داده و فرموده است (آل عمران/ ۹۷)^(۱): حق خداست بر مردم مستطیع که به حج بیت آیند، و نبی اکرم ترتیب مناسک حج را به این صورت که هست تنظیم کرده است، سرّ این تشریح و تنظیم آن است که اشاره‌ای به مرگ، قبر، بعث و قیامت باشد، و صاحب‌دلان و خردمندان از مشاهده این مناسک از اول تا به آخر متذکر عوالم بعد از مرگ از بهشت و جهنم بشوند، و آمادگی برای ارتحال به آن عالم را به دست آورند. طبق این روایات، هر یک از مناسک حج نمادی از یک رفتار است. به عنوان مثال احرام بستن، نماد محافظت خود از هر چه انسان را از خدا دور می‌کند؛ طواف، نماد حضور پیدا کردن در محضر حق تعالی؛ هروله در سعی بین صفا و مروه، نماد فرار از غیر خدا به سوی

۱. ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾.

خدا و دل‌بستگی به او؛ رفتن به منا، نماد گذر کردن از آرزوهای فراوان و کاهش آنها، وقوف در عرفات، نماد اظهار تذلّل و خشوع در مظهر حق و اعتراف به خطاها و فراهم کردن زمینه ارتباط با خداوند؛ قربانی، نماد قطع ریشه‌های هوای نفس و طمع؛ رمی و پرتاب سنگ به جمرات، نماد مبارزه با شهوات و پستی‌ها و سرتراشیدن، نماد ریشه‌کن کردن عیوب ظاهری و باطنی است. متخصصین علوم ارتباطی، مهم‌ترین قسمت ارتباطات را بخش انتقال دانسته‌اند (Al Nabulsi, 2015: 44) و (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۲۲۷). در پیام‌های غیرکلامی حج، کمیت و کیفیت انتقال از راه علائم و کدها یا نمادها بیشتر است. به‌منظور سرعت انتقال و استفاده قوی و کامل‌تر از پیام‌ها، علائم و نمادهای رمزی و کدبندی شده بهره‌گیری می‌شود. در مراسم حج گویاترین و کامل‌ترین علائم و نشانه‌ها و زیباترین و جذاب‌ترین کدها و رموز تبیین یافته است. حاجی با حضور در سرزمین وحی و انجام دادن مناسک حج، ضمن آشنایی با نمادهای به کار رفته در مشاعر مقدس و یافتن معانی و حقایقی که پشتوانه آنها را تشکیل می‌دهند، پیوند خود را با ارزش‌های نهفته در آن محکم می‌کند. افزون بر این، خود نمادها زمینه‌ساز انتقال معارف، ارزش‌ها و فرهنگ دینی و حفظ آنها است. در مجموع با توجه به مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نماد حج و مناسک آن، به دلیل به کار رفتن نمادهای طبیعی و غیرقراردادی که در متون دینی از آن به شعائر الهی تعبیر شده است، می‌تواند وسیله‌ای برای ارتباط و پیوند نسل‌ها در طول تاریخ و نشانه ثابت دین و جاودانگی و استمرار آن باشد. اهرم و ابزاری که به سادگی و با کم‌ترین هزینه و با کمک معتقدان به دین به انتقال آموزه‌ها و معارف اسلامی می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). بنابراین، بهترین و ارزشمندترین موقعیت برای انتقال عناصر ارزشی فرهنگ اسلام ایام حج است؛ به خاطر اینکه حج عبادتی است که همه ساله اجتماع عظیمی از مسلمانان را گرد هم جمع می‌کند، و بهترین زمینه را برای انتقال فرهنگ، و عناصر ارزشی اسلام به نسل‌های دیگر در سایر نقاط جهان فراهم می‌کند، لذا، یک عبادت انفرادی نیست که

زائری از نقطه‌ای دوردست به آنجا برود و در آن سرزمین اعمالی را به صورت انفرادی انجام دهد و عبادات وارده را بجا آورد و به وطن خود برگردد، چرا که در این صورت این همه تأکید برای انجام مناسک حج در مکان و زمان مشخص بی‌فایده بود اما خود این تأکیدها نشان می‌دهد که قصد و غرضی برای عبادت وجود دارد و شارع مقدس هدف خاصی داشته است، که از مجموع آیات و احادیثی که در این زمینه وارد شده است، می‌توان به این مطلب رسید که شارع مقدس از حجاج این انتظار را دارد که بتوانند در ایام حج از احوالات یکدیگر مطلع شوند و زمینه تشکیل امت واحده اسلامی را فراهم کنند و فرهنگ و محتوای اصلی دین را به دنیا نشان دهند. اما با همه اینها، اختلافات عقیدتی، مذهبی مانع از برقراری تفاهم و انتقال ایده‌ها و تفکرات است؛ زیرا، سبب بروز نوعی تعصبات نابجا بین مسلمین می‌شود، که جلوی هرگونه گفت‌وگوی سازنده را می‌گیرد. به این ترتیب تعصب عقیدتی و مذهبی، مانع از تعامل و اتحاد سیاسی می‌شود؛ لذا، با اندک تأملی در اوامر و دستورات الهی در مناسک حج می‌توان دریافت که قصد و غرض شارع مقدس از تشریح این دستورات مبارزه با همین تفکرات غلط و تعصبات کور است. به عنوان مثال امر شارع به رها کردن لباس تفاخر و تمایز در حج و درآمدن به لباس همگانی و یکرنگ احرام، نشانه و نماد یکرنگی امت اسلامی و فرمان نمادین اتحاد و همدلی مسلمانان در همه جای جهان است، و اساساً در حج هیچ کدام از افراد مسلمان نباید نسبت به لباس خود رقابت و فخرفروشی کند، بلکه همه لباسی شبیه لباس آخرت و کفن بر تن کرده، و در برابر پروردگار خود شبیه به هم ظاهر می‌شوند و فرقی نمی‌کند که افراد از کدام قوم و قبیله یا رنگ و نژاد هستند. یا خود این آیه شریفه که می‌فرماید (آل عمران/۹۶): ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ کلمه ناس اشاره به عموم مردم دارد نه قوم و قبیله، و نژاد و ملیت خاصی بلکه می‌فرماید: برای همه مردم وضع شده است لذا، امت اسلام همگی در صف واحد باید به سمت و سوی کعبه بایستند و نمازهای یومیه و کارهایی نظیر کشتن قربانی، یا دفن اموات خود

را به سمت قبله واحد که همان کعبه است، انجام دهند و در همه این امور هیچ فرقی بین افراد از نظر قومیت و ملیت و نژاد، و رنگ نیست، و در نگاه اسلام همه برابر و یکسانند.

رفتارهای کلیشه‌ای

همانطور که در بخش قبل اشاره شده، تعصب می‌تواند یکی از موانع اصلی ارتباط بین فرهنگ‌ها باشد. نژادپرستی هم که یکی از مظاهر تعصب است، تأثیرات منفی در ارتباط بین فرهنگ‌ها دارد که به مواردی اشاره شد. و دومین مورد این بود که نژادپرستی معمولاً مستلزم ادراک و شناخت اعضای فرهنگ‌های دیگر بر حسب کلیشه‌ها است. از آنجا که حج محل تلاقی انسان‌هایی با فرهنگ‌های متفاوت است، و محور بحث دیپلماسی فرهنگی حج است و هدف دیپلماسی هم رسیدن به تفاهم متقابل از طریق تبادل افکار و ارتباط بین فرهنگ‌ها است لذا، شناختن موانع ارتباط در این مسیر لازم و ضروری است، همان‌گونه که تعصب می‌تواند مانع ارتباط شود، به همان صورت رفتارهای کلیشه‌ای هم می‌تواند مانع از ارتباط بین فرهنگ‌ها شوند و باعث وجود آمدن مشکلات فراوان شوند. کلیشه‌گرایی شکل پیچیده‌ای از طبقه‌بندی است؛ که تنظیم‌کننده تجربیات ما در ذهن و هدایتگر رفتار ما نسبت به گروه خاصی از مردم هستند. کلیشه‌ها وسیله تنظیم تصورات ما به طبقه‌بندی‌های ثابت و ساده‌ای هستند، که برای نشان دادن مجموعه کامل مردم از آنها استفاده می‌کنیم. کلیشه‌گرایی تقریباً در هر شرایط بین فرهنگی یافت می‌شود. دلیل ماهیت فراگیر کلیشه‌ها این است که انسان‌ها نیاز روانی به طبقه‌بندی یا گروه‌بندی دارند و دنیایی که ما با آن روبه‌رو هستیم، آنقدر بزرگ، پیچیده، و متغیر است که ما همه ابعاد آن را نمی‌شناسیم، بنابراین، نیاز به طبقه‌بندی و دسته‌بندی جنبه‌های مختلف آن احساس می‌شود. کلیشه‌ها به دلیل راحتی و ضرورت وجودشان به طبقه‌بندی کمک می‌کنند. چندین دلیل وجود دارد که کلیشه‌ها به عنوان

یک قسم از طبقه بندی باعث توقف ارتباط بین فرهنگ‌ها می‌شود. اول اینکه، کلیشه‌ها خصوصیات فردی را مشخص نمی‌کنند. در این کلیشه‌ها فرض بر این است که تمام اعضای یک گروه دقیقا دارای یک نوع خصیصه هستند. برخی جامعه شناسان گفته‌اند: کلیشه‌ها پیش فرض‌های دقیق و شخصی هستند که در مورد تمام اعضای یک گروه یا افراد در طی مدت زمان خاصی علیرغم تنوع‌های فردی صادق است. دوم اینکه، کلیشه‌ها مانع برقراری ارتباط موفق می‌شوند، چرا که بیش از حد ساده، کلی و مبالغه آمیز هستند. کلیشه‌ها بر اساس سخن‌های نادرست، تحریف‌ها و اغلب فرض‌های غلط هستند. بنابراین، تصویرهای نادرست از مردمی که با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم به وجود می‌آورند. سوم اینکه، کلیشه‌ها ارتباط بین فرهنگ‌ها را متوقف می‌کنند، چون عقاید و باورها را به حدی تکرار و تقویت می‌کنند، که اغلب جای حقیقت را می‌گیرند. در اینجا ذکر این نکته هم لازم است که کلیشه‌ها با ما متولد نمی‌شوند و ذاتی نیستند، بلکه مانند فرهنگ به شیوه‌های مختلف آموخته می‌شوند، یعنی در مرحله اول، مردم کلیشه‌ها را از والدین، بستگان و دوستان خود می‌آموزند و در مرحله دوم، از طریق تماس‌های شخصی محدود به وجود می‌آید و در نهایت اکثر کلیشه‌ها ناشی از فعالیت وسایل ارتباط جمعی هستند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۹۷). بنابراین، اگر در مورد مردم دیگر نقاط دنیا با اطلاعات سطحی و کلیشه‌ای قضاوت کنیم، و آنها را در گروه‌های خاصی قرار دهیم و یا اینکه ارزش‌ها و اعتقادات آنها را غلط ارزیابی کنیم، همه این موارد می‌تواند مانع از ایجاد ارتباط بین فرهنگ ما با فرهنگ آنها بشود و در نتیجه هیچ وقت به تفاهم متقابل نمی‌رسیم، و بین فرهنگ‌ها و جوامع مختلف همواره تنش و تعارض به وجود خواهد آمد. همه توضیحات مذکور در مورد تبعیض نیز صادق است، به این معنی که تبعیض که میوه درخت تعصب است، از موانع ارتباط بین فرهنگ‌ها است، در اغلب موارد تبعیض مشاهده می‌شود که نژادپرستی، کلیشه‌گرایی و تعصب در شکلی از تندروری با هم تلفیق یافته و مانع از برقراری هرگونه ارتباط موفق بین فرهنگ‌ها می‌شود. وقتی

تبعیض جایگزین ارتباط شود، جنبه‌های پنهان و آشکار خشم و نفرت به وضوح دیده می‌شود، و این احساس خشم و یا نفرت باعث محدود کردن فرصت‌هایی می‌شود، که متعلق به همه افراد است. در اینجا تذکر این مطلب دارای اهمیت است که تعصب و نفرت نه تنها به فرد یا گروهی صدمه می‌زند، بلکه فرد یا افراد متعصب و فرهنگ آنها را نیز نابود می‌کند، و به قول خوزه اورتگا فیلسوف اسپانیایی تنفر احساسی است که منجر به نابودی ارزش‌ها می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۹۹).

اندیشه وهابیت

محمد بن عبدالوهاب مؤسس فرقه وهابیت در رساله (کشف الشبهات)، بارها مسلمانان را مشرک، کافر، بت پرست، مرتد، منافق، منکر توحید دشمن توحید، دشمنان خدا، اهل باطل، نادان و شیاطین خوانده است؛ وی تصریح می‌کند که مشرکان زمان ما (مسلمانان) غلیظ‌تر از مشرکان و بت پرستان گذشته‌اند؛ چون مشرکان گذشته در حال رفاه، شرک می‌ورزیدند و هنگام گرفتاری اخلاص می‌ورزیدند؛ ولی مشرکان زمان ما در هر دو حالت به خدا شرک می‌ورزند.

مهم‌ترین کلام وهابی‌ها چهار چیز است: کفر، شرک، کذب، بدعت؛ اگر کسی تنها واژه‌های کفر و شرک آنها را جمع‌آوری کند، کتابی از واژه کفر و شرک را جمع‌آوری می‌کند. هر جا مسلمانان در پاسخ آنها با روایتی استدلالشان را محکوم کردند، پاشخی که بیش‌تر از هر استدلالی به آن تکیه کرده‌اند، بین عبارت «کذب است» بوده است. آنها هر روایتی را که با عقیده آنها مطابقت نداشته باشد، تکذیب می‌کنند. کوتاه سخن اینکه وهابی‌ها به دنبال این عقیده افراطی بی محتوا و خشک، به تلویح یا تصریح، خود و پیروانشان را موحد و مسلمان می‌شمردند؛ و دیگر گروه‌های مسلمان را مشرک و کافر قلمداد می‌کنند. از این رو، کشتار آنها را جایز و اموالشان را حلال می‌شمارند، روشن است در چنین شرایطی باب گفت‌وگو بسته می‌شود، و زمانی که یک طرف

همیشه با پیش فرض های غلط و توهمات باطل به طرف مقابل خود نگاه کند، هیچ وقت تبادل آراء و اندیشه صورت نمی گیرد. برای نمونه: به یک مورد از اختلافات عمیق بین اندیشه وهابیت و سایر مسلمانان اشاره می شود و آن نوع نگرش به کعبه و اماکن مقدس است. طبق آیات الهی (آل عمران ۹۶/۹۷)^(۱)؛ در حقیقت نخستین خانه ای که برای عبادت مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان مایه هدایت است (۹۶) در آن نشانه هایی روشن از جمله مقام ابراهیم است؛ و هر که در آن درآید در امان است و برای خدا حج آن خانه برعهده مردم است، البته بر کسی که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد یقیناً خداوند از جهانیان بی نیاز است (۹۷).

خانه توحید و قبله مسلمین که بازسازی آن یادگار ابراهیم خلیل است؛ مکانی مقدس و شهری مورد احترام است، پیامبر خدا (ص) این حرمت را پاس می داشت و با ذکر، دعا، رعایت ادب، بر قداست آن توجه می داد، و با تهلیل و تکبیر وارد شهر و حرم الهی می شد، هنگام رفتن به مکه از تپه شمالی وارد و از ناحیه جنوب خارج می شد (بغدادی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۱۰۷). نقل شده است که تنها یک بار به درون کعبه رفت، جامه و عبایش را زیرپای خود انداخت و کفش هایش را از پای درآورد و میان دو ستون داخل کعبه دو رکعت نماز گزارد، هنگام ورود به مکه، خدا را به عنوان "ذی المعارج" و صاحب والایی بسیار می ستود. در مسیر راه هنگام برخورد با هر سواره ای یا فراز آمدن بر هر تپه ای یا فرود آمدن به هر وادی و در فرصت های آخر شب و در پی نمازها "لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک" می گفت و گاهی در طول راه، پیاده ها را سوار بر شتر خویش می کرد (کلینی، ج ۴: ۲۴۹). خانه خدا در مکه محبوب

۱. ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ - ۹۶- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

دل‌هاست و عبادت در آنجا ثواب بسیار دارد و دل‌های عاشق با آن مسجد مقدس انس و الفت دارد. از ابن عباس نقل شده است: که پیامبر خدا در شب‌های تشریق هر شب از منا به مکه می‌آمد و خانه کعبه را زیارت می‌کرد: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَزُورُ الْبَيْتَ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلَالِي مَنَى» (الطبرانی، ۱۳۹۸، ج ۱۲: ۱۰۷). در حدیثی آمده که امام باقر در پاسخ نامه ابراهیم بن شیبه چنین نوشت^(۱) (کلینی، ج ۴: ۵۲۴): پیامبر خدا (ص) دوست داشت که در مدینه و مکه بسیار نماز بخواند؛ تو هم در این دو شهر نماز زیاد بخوان و نماز را تمام اقامه کن نه شکسته.

مسجد قبا یکی از مساجد مورد علاقه پیامبر خدا بود. هرگاه به قبا می‌رفت در منزل سعد بن خيثمه انصاری فرود می‌آمد، سراغ مسجد قبا می‌رفت، از چاه آب می‌کشید و پاهای خود را می‌شست و از روی سنگ‌های کنار جاده عبور می‌کرد و در آن مسجد نماز می‌خواند. طبق نقل ابو سعید خدری، آن حضرت هر هفته روزهای شنبه پیاده به مسجد قبا می‌رفت، گاهی هم سواره این راه را می‌پیمود: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَأْتِي قُبَاءَ مَاشِيًا وَ رَاكِبًا» (ابن سعد، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۸۸). اما با وجود همه این تأکیدها و تصریح‌ها در متون دینی در خصوص حرمت مکه و زوار حرم امن الهی امروزه جهان اسلام شاهد بی‌احترامی‌های فراوانی از طرف حکومت میزبان است که این بی‌احترامی‌ها هم به اماکن مقدس اسلامی وارد می‌شود و هم امنیت ضیوف الرحمان را به مخاطره می‌اندازد. دلیل این همه بی‌احترامی کاملاً واضح و آشکار است و آن نوع نگرش حکومت عربستان و اعتقادات آنها است که تحت تأثیر تفکر وهابیت است و در مطالب پیش گفته هم عنوان شد که وهابیت غیر خود را مشرک و کافر قلمداد می‌کند و وجود این تفکر و اعتقاد به ویژه در سطح حکومتی امنیت را از زوار دیگر سلب می‌کند و فضای رعب و وحشت برای حجاج به وجود می‌آورد و به همین دلیل باب مفاهمه و تبادل اندیشه با این گروه غیرممکن شده است.

۱. (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَجِبُ إِكْتِنَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثَرَ فِيهِمَا وَ أُنْتَم)

کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در ایجاد وحدت اسلامی

خانه خدا اولین خانه‌ای است که برای مردم وضع شده است. تمام قصرها و کاخ‌ها و بناهایی که به دست بشر ساخته شده و می‌شود، در راستای ایجاد منفعت فرد یا افرادی و حتی ممکن است به زیان عده‌ای دیگر باشد. این گونه بناهای دست‌ساز بشر اختصاص به طبقات خاص و افراد ویژه‌ای دارند، و عموم مردم نمی‌توانند از آنها استفاده کنند، در حالی که خانه خدا اختصاص به قوم و قبیله، و نژاد خاصی ندارد و به قول دکتر شریعتی بیت عتیق است. عتیق از عتق، آزاد کردن بنده، عتیق: آزاد. خانه‌ای که از مالکیت شخصی، از سلطنت جباران و حکام آزاد است، کسی را بر آن دسترسی نیست، صاحب خانه خداست، اهل خانه، مردم و محل اجتماع مردم و مرکز خیر و برکت و نزول رحمت برای همگان است (شریعتی، ۱۳۸۹: ۶۱)، از جمله مهم‌ترین خیرات و برکات آن می‌توان به مردمی بودن و برابری و یکسان بودن همگان اشاره کرد و اینکه هیچ‌گونه تبعیضی در ملیت، نژاد، زبان، رنگ انسان‌ها در آنجا راه ندارد. اما با همه این اوصاف، این نکته را نمی‌توان انکار کرد که اختلاف در اصول و فروع از مسلمات فرق و مذاهب مختلف اسلامی است، و این اختلافات ظاهری در مناسک حج وجود دارد. اما در میان این اختلافات در عقاید و اندیشه‌ها وقتی بحث از وحدت اسلامی پیش می‌آید، ممکن است این سؤال مطرح شود که مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا وحدت اسلامی به این معنی است که گروهی از مسلمانان از اعتقادات خود در مقابل گروه دیگر کوتاه آمده و اعتقادات آنها را قبول کنند؟ یا اینکه حداقل برخی از اعتقادات گروه مقابل را بپذیرند؟ جواب این سؤال را از نوشته‌های شهید مطهری ذکر می‌کنیم.

مرحوم شهید مطهری در مقاله «الغدیر و وحدت اسلامی» که به قلم ایشان در یادنامه علامه امینی به چاپ رسیده است؛ در رابطه با حقیقت وحدت بین مسلمین این چنین می‌گوید: مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما اتحاد و همبستگی ملل و

فرق اسلامی را مخصوصاً در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدانها هجوم آورده است، و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه اختلافات کهن و اختراع اختلافات نوین است، از ضروری ترین نیازهای اسلامی می دانند. اساساً چنان که می دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی، سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است. قرآن و سنت و تاریخ اسلام، گواه بر این مطلب است. اما مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود، و متفرقات همه آنها کنار گذاشته شود، و مذاهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند، تا در قدم اول با شکست مواجه شوند، بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد متفرقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشرکشان. این دانشمندان می گویند: مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم شود، مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است. با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند و مانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند، و داد و ستد می کنند، و کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می کنند، و جز در اموری جزئی در این کارها باهم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک

دارند و در یک تمدن عظیم و با شکوه، و سابقه‌دار شرکت دارند، وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در تعهدات مذهبی، در پرستش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان به ناچار در برابر آنها خضوع کنند، خصوصاً اینکه در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند و با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان شده است استفاده نکنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند، که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه گذشته در مورد اصول یا فروع مذهبی خود کنند. همچنان که ایجاب نمی‌کند مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند، تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نشود متانت را حفظ کنند، یکدیگر را ضرب و شتم نکنند و به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطبق یکدیگر را مسخره نکنند، و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام، لازم دانسته است درباره خودشان رعایت کنند: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)، برای برخی این تصور پیش آمده که مذهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است؛ و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دین همه است.

علیهذا، آنجا که مثلاً اصل امامت آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل موضوع وحدت و اخوت منتفی است؛ و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند، و در یک جبهه قرار گیرند، دشمن هر که باشد. گروه اول به این گروه پاسخ می‌دهند، و می‌گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم و از اصل «یا همه یا هیچ»، در اینجا پیروی کنیم، اینجا جای قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور» و «ما لا یدرک کله لا یترک کله»، است. سیره و روش امیرالمومنین علی (ع) برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درس‌هاست. علی (ع) راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد. او برای احقاق حق خود از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد تا اصل امامت را احیاء کند، اما هرگز از شعار یا «همه یا هیچ» پیروی نکرد، برعکس اصل «ما لا یدرک کله لا یترک کله»، را مبنای کار خویش قرار داد (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۱۸). بنابراین، می‌شود با اندکی اغماض و ایثار طرفینی از خیلی موارد گذشت و آنها را نادیده گرفت؛ در عین حال به اصول خود هم پایبند بود، این کار اگر چه مشکل به نظر می‌رسد، اما دقت و توجه به آثار زیانبار اختلاف و تفرقه برای جامعه اسلامی و ثمرات و نتایج وحدت و اتحاد، و رسیدن به تفاهم متقابل را سهل و آسان می‌کند. امام صادق (ع) در حدیثی این چنین می‌فرماید: «فجعل فیہ الاجتماع من المشرق والمغرب لینعارفوا»، (حرعاملی، ص: ۹)، یعنی خداوند اجتماع عظیم شرق و غرب را در حج قرار داده است؛ برای اینکه مسلمین با یکدیگر آشنا شوند و از آداب و اخلاق و فرهنگ‌های همدیگر مطلع شوند. این گفت‌وگو و ارتباطات بین فرهنگ‌های مختلف در حج که میعادگاه جهانی برای مسلمانان است از جهات زیر دارای اهمیت است: ۱. گفت‌وگو باعث تحول در فرهنگ انسان‌ها می‌شود؛ و فرهنگ‌های متفاوت را به هم نزدیک می‌کند. ۲. گفت‌وگو، زمینه‌ای برای تعامل افکار و رسیدن به تفاهم متقابل برقرار می‌سازد. ۳. گفت‌وگو، موجب اهتمام به پدیده‌هایی همچون مشارکت، صلح، امنیت،

اخلاق محوری و.. می شود. ۴. گفت و گوی صحیح به طرفداران سایر مذاهب چگونگی گفتن و ارتباط برقرار کردن را می آموزد. ۵. گفت و گو، باعث برطرف شدن سوء تفاهمات و در نتیجه نزدیکی قلوب به یکدیگر می شود.

دیپلماسی فرهنگی حج ایجاد صلح و امنیت

همان طور که اشاره شد، توحید عامل وحدت و هماهنگی و شرک عامل تفرقه و پراکندگی است ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾، (آل عمران/ ۱۰۳)، و شرک از آن جهت که ناشی از هواپرستی است و هواپرستی همواره تابع شهوات و غضب است و مولودی غیر از تعصب و جهل و کبر ندارد هرگز نمی تواند عامل وحدت و همدلی باشد، تعداد معبودها با روش های متفاوت پرستش و تعصب گروه های مختلف نسبت به معبودها و روش های خود بر عمق و گسترش اختلاف ها می افزاید، و آنها را تالیه هولناک جنگ و دشمنی پیش می برد، و صلح و آرامش و امنیت اجتماعی را به مخاطره می اندازد، و تلاش و خواست شیاطین، انس، و جن هم ایجاد هر چه بیشتر عداوت و کینه است ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾، (مائده / ۹۱).

از این رو، بنابر مطالب پیش گفته شده دیپلماسی فرهنگی حج این توانایی را دارد که در ایجاد صلح و امنیت جهانی و منطقه ای مؤثر واقع شود؛ چرا که با تقویت زمینه های فرهنگی، عواملی نظیر تعصب و جهل، تکبر، و.. از بین می رود. تاریخ گواه آن است که هرگاه زمینه های فرهنگی تقویت شده اند، زمینه های کینه و عداوت بین مردم کم می شود، و جنگ و خونریزی متوقف شده و صلح و آرامش به ارمغان آمده است.

قرآن کریم به پیامدهای تفرقه و اختلاف اشاره کرده و به مسلمانان متذکر می شود که نعمت وحدت و اتحاد را به عنوان نعمتی الهی یادآوری کنند^(۱) و نعمت خدای را

۱. ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾، (آل عمران/ ۱۰۳)

بر خود یاد کنید؛ هنگامی که با یکدیگر دشمن بودید پس میان دل‌های شما همدلی و پیوند قرار داد تا به نعمت وی با هم برادر شدید، و بر لبه گودال آتش بودید پس شما را از آن رهانید.

و لذا، وحدت بخشی مسلمانان عاملی برای نفی معبودهای فردی، و اجتماعی می‌شود؛ تشتت و تفرقه‌ای که به موجب جهل، خرافه و تعصب و مهم‌تر از همه تفرقه موجب اختلاف و چندگانگی بین افراد جامعه می‌شود، بدین وسیله از بین می‌رود. دیپلماسی وحدت بخشی که صلح و امنیت را به بار می‌آورد همراه با عقلانیت و تعقل است، چنانکه قرآن کریم در مورد برخی از مشرکین به اختلاف و تفرقه آنها به سبب بی‌خردی و دوری از عقلانیت، اشاره می‌کند^(۱): آنها را متحد می‌پندارد، ولی دل‌هایشان پراکنده است؛ چون مردم بی‌خردی هستند.

لذا، با توجه به معنی دیپلماسی که عبارت بود از تعامل بین افراد و جوامع و فرهنگ‌های دیگر برای رسیدن به تفاهم به این نتیجه می‌رسیم که در صورت وجود نزاع و اختلاف و تشتت درونی و امثال این موارد هیچ وقت تفاهم بین افراد و فرهنگ‌های دیگر برقرار نمی‌شود؛ و تنها راه رسیدن به تفاهم حقیقی اتحاد و انسجام در پناه عقلانیت است و اگر در ظاهر هم افراد مخالف یکدیگر تفاهم پیدا کنند در منطق قرآن آن تفاهم واقعی و پایدار نیست و درون و دل‌های آنها متفرق است و از یکدیگر دور هستند.

دیپلماسی فرهنگی حج عامل حرکت در جهت ایجاد امت واحده اسلامی

آیت الله منتظری می‌گوید: عناصر که مفهوم یک امت با آن تحقق پیدا می‌کند، اشتراک در سرزمین، قومیت، زبان، رنگ، منافع، و مصالح مشترک و فکر و عقیده است، بی‌تردید همه اینها در ایجاد یک نوع رابطه بین افراد و چگونگی زندگی و تربیت آنها

۱. ﴿حَسْبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حشر / ۱۴).

تأثیر بسزایی دارد زیرا، انسان از شئون مادی زندگی و خواص و آثار آن خواه ناخواه برکنار نیست. ولی برای هر کس روشن است که انسانیت و کرامت وی به عقل و فکر و نظریات اوست، آنچه بر قلب و روح او حاکم است، همان فکر و ایمان اوست که از همه چیز برای وی ارزشمندتر است، به طوری که حاضر است در راه آن جان خود را از دست بدهد. بنابراین، آنچه وحدت اساسی را بین انسان‌ها به وجود می‌آورد و می‌تواند وحدت واقعی آنها را تضمین کند، همان وحدت فکری و ایمانی آنها است، نه وحدت در وطن و نژاد، به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که اسلام بین مسلمانان وحدت اسلامی برقرار می‌کند؛ و آنها را به عنوان اینکه مؤمن هستند برادر یکدیگر قلمداد می‌کند، و برای امتیازات مادی از قبیل جنسیت، زبان، رنگ، در برابر ارزش‌های روحی و فضایل اخلاقی، ایمانی، تقوی ارزشی قائل نمی‌شود. لذا از نظر اسلام همه مسلمانان یک امت هستند، پروردگارشان یکی، دینشان یکی، پیامبرشان یکی، کتابشان یکی است، و هیچ امتیازی برای هیچ یک از آنها مگر به خاطر تقوی و تسلیم در برابر اوامر خداوند نیست؛ اوامری که عمل به آنها موجب کمال روحی و ترقی، کرامت، و شرافت انسان است. پس مسلمانان بر پایه فطرت و وظیفه اسلامی خود همه یک امت هستند؛ چون عناصر اصلی هویتی آنها یکی است لذا، واجب است بر همه شهرها و کشورهای آنها تنها یک حکم و یک قانون حکومت کند، و تنها یک سیاست آنها را اداره کند، چنانکه در صدر اسلام این گونه بوده است (منتظری، ۱۳۷۴: ۲۲۵). از طرفی خود واژه امت هم در تحکیم وحدت تأثیر بسزایی دارد و هم تفاوت‌ها و تمایزها در این واژه از بین می‌رود و نشانه‌های ناسازگاری با وحدت مانند رنگ، نژاد، قبیله و حتی جنس وجود ندارد. از این است، که وحدت در اندیشه اسلامی نمودهایی مانند وحدت در جهان بینی، فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی، پرستش و نیایش دارد. این واژه که بیش از پنجاه بار در قرآن کریم آمده است، از ماده «ام یوم» بوده و در لغت به معنای قصد است و در اصطلاح به معنای یک واحد بزرگ انسانی است که عامل پیوند آن دین و فرهنگ

مشترک است. زمانی این واژه بر گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که هم دارای مقصد و هدفی واحد باشند (چرا که در واژه امت مفهوم حرکت به سوی یک هدف نهفته است) و هم از رهبری واحد برخوردار باشند (زیرا، زمانی این حرکت به سوی هدف واحد سامان پیدا می‌کند که با هدایت رهبر واحد صورت پذیرد). بنابراین، منظور از امت در آیات قرآن نظیر آیه سوره انبیاء: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ (انبیا/ ۹۲) این است که امت شما امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید، جامعه کلان اسلامی است که از هدایت رهبری واحد برخوردار است و در حرکتی همسو به سوی هدفی واحد حرکت می‌کند (وطن دوست، ۱۳۸۸: ۷۴).. همان‌طور که مشاهده شد مسلمانان در بسیاری از موارد مشابهت و مشارکت‌های فراوانی دارند. ظرفیت و توان ایجاد یک امت واحده و عظیم اسلامی را دارند. لذا، کلیه مسلمانان با داشتن عناصر ارزشی و هویتی مشترکی نظیر توحید، نبوت، قبله واحد، و کتاب واحد می‌توانند به‌عنوان یک امت واحده در کنار هم و در صف واحد قرار گیرند. از سوی دیگر قرآن کریم از دلسوزی فراوان و حرص شدید پیغمبر اکرم (ص) بر هدایت مردم سخن گفته و می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (توبه/ ۱۲۸)، و در آیه‌ای دیگر وجود مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام را رحمت برای عالمیان معرفی می‌کند و می‌فرماید ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیا/ ۱۰۷). وجود مقدس پیامبر اکرم در طول عمر با برکت خویش توانست جامعه‌ای را که در فرهنگ جاهلیت و درنده‌خویی و عداوت و برادرکشی غوطه‌ور بود به برکت خلق عظیم و مکارم اخلاق خود به سوی فرهنگ اصیل اسلامی و انسانی و برابری و برادری هدایت کند، فرهنگ غالب در آن زمان فرهنگ جاهلیت بود، مردم بت‌ها را عبادت می‌کردند، و مردار می‌خوردند، مرتکب گناه کبیره می‌شدند، و قطع رحم و فراموش کردن حق همسایگان عادت آنها بود، و قدرتمندان آنها ضعفها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، تا اینکه خداوند پیامبری را که

از خود آنها بود فرستاد و آنها را به توحید خدا دعوت کرد و از شرک برحذر داشت و به راستگویی در سخن و امانت‌داری و صلۀ رحم و حق‌همسایگی، و دوری از حرام و پرهیز از ریختن خون مردم امر کرد، و آنها را از اعمال زشت و سخن دروغ و خوردن مال ایتام بازداشت. طولی نکشید که به خاطر ابعاد وسیع برکات و جودی پیغمبر(ص) و سجایای اخلاقی ایشان جامعه جاهلی به سوی کمالات اخلاقی و کرامت انسانی کشیده شد و ارزش‌ها در میان مردم عوض شد و فرهنگ جاهلیت جای خود را به فرهنگ انسانی و اسلامی داد و اسلام خیلی سریع در سراسر خاورمینه گسترش پیدا کرد. شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم به سران کشورها مانند: قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و رؤسای قبایل مختلف عرب... نامه نوشتند و به سوی آنها پیک ویژه فرستادند و همگان را به پذیرفتن دین اسلام دعوت کردند و از پیامدهای وخیم کفر و روی‌گردانی از اسلام برحذر داشتند. این قبیل اعمال از سوی پیامبر اکرم(ص) دلالت بر جهانی بودن دین اسلام می‌کند، چرا که اگر دین اسلام جهانی نبود از طرف ایشان دعوت عمومی انجام نمی‌گرفت؛ و سایر اقوام و امت‌ها هم برای عدم پذیرش عذری می‌داشتند، اما قرآن به صراحت اعلام کرد، هر کس هر دینی غیر از اسلام اختیار کند، مورد قبول واقع نمی‌شود و فرمود: دین نزد خدا فقط اسلام است. از طرف دیگر همه آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام مؤید این معناست که بی‌تردید زمانی فرا خواهد رسید که تنها دین حاکم بر جهان، اسلام خواهد بود. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه خاصی از ضروریات این آیین الهی است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند می‌دانند که دعوت اسلام همگانی بوده، و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است. از مجموع این مطالب می‌توان نتیجه گرفت، دینی که ظرفیت جهانی شدن را دارد و زمانی فرا می‌رسد که قطعاً عالم‌گیر می‌شود، پس انتظار تشکیل یک امت واحده بین پیروان این دین یک انتظار حداقلی و ممکن است، و مسلمانان که پیرو یک خدا، یک پیامبر، یک قبله، یک

کتاب هستند، باید به سهولت بتوانند همگی تحت یک حکومت و پرچم زندگی کنند، و یک جامعه واحد اسلامی تشکیل بدهند، اما اینکه چرا این اتفاق نمی‌افتد؟ باید پاسخ آن را در نوع تعاملات و ارتباطات بین مسلمین با یکدیگر و دشمنی دشمنان این دین جستجو کرد و الا در مقام نظر و اعتقاد همه مسلمانان بر این باورند که اسلام خاتم ادیان و پیغمبر اسلام خاتم پیغمبران است و دین اسلام از هر جهت کامل‌ترین و جامع‌ترین دین است و تا روز قیامت بشر را کفایت خواهد کرد؛ و روزی فرا خواهد رسید که اسلام تمامی آدمیان و پیروان ادیان را پیرو و مطیع خود خواهد کرد و بدین ترتیب، جهان در تسخیر آموزه‌های بلند و آسمانی اسلام در خواهد آمد. بنابراین، همه مسلمان باید به این عقیده و باور برسند که تنها راه عملی حل مشکلات درونی جوامع اسلامی بلکه مشکلات تمام بشریت و دستیابی به صلح و امنیت پایدار در سرتاسر جهان همچنین تعالی و رشد انسانی در این است که مرزهای ساختگی و اعتباری (ملی، نژادی، قومی و...)، از میان برداشته شوند، و تشکیل امت واحده اسلامی بلکه حکومت واحد جهانی تحت حاکمیت قانون آسمانی اسلام در دستور کار کشورهای اسلامی قرار بگیرد. برای رسیدن به این مهم حج به عنوان یک عبادت سیاسی مهم و اثرگذار نقش بی‌بدیلی را می‌تواند ایفا کند، چرا که علاوه بر استفاده بهینه از اجتماع عظیم حج برای تبلیغ حقیقت دین اسلام و برطرف کردن مشکلات و معضلات درونی مسلمانان خود مناسب حج زمینه اتحاد و یکدلی را فراهم می‌کند و از نزاع و تفرقه و جدال برحذر می‌دارد. به عنوان مثال در محرمات احرام، اوامر و دستوراتی به طور صریح و شفاف بیان شده است که مقدمه‌ای برای ایجاد صلح، و امنیت عمومی است؛ لذا، در شرع مقدس اسلام آمده است که برای شخص در حال احرام، جدا کردن و فخرفروشی کردن و دشنام، و... حرام است و کسی که مرتکب این اعمال شود جریمه خواهد شد، یعنی باید کفاره بدهد. واضح و آشکار است که جدال کردن و فخرفروشی بر دیگران که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران باشد و کارهایی نظیر دروغ و دشنام که در همه حال حرام است

در حال احرام حرمت آن شدیدتر است. همهٔ اینها ناظر به اهمیت صلح و آرامش و دوری از نزاع، و تفرقه نزد شارع مقدس است. در حقیقت خداوند عالم با تشریح این اوامر و دستورات آن هم در مناسک حج می‌خواهد این مطالب را به مسلمانان برساند که هیچ کدام از شما با امور اعتباری بر دیگری برتری ندارد و همه یکسان و برابر هستید، و برای انجام امور عبادی و فعالیت‌های اجتماعی باید از امور اعتباری و موهوم نظیر افتخار به قوم و قبیله، و زبان و رنگ و امثال اینها دور باشید و حول یک محور بچرخید، که آن هم محور توحید است. لذا، حج عبادتی سیاسی، اجتماعی است که متضمن مجموعه‌ای از قوانین و دستورات الهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است؛ و مناسک گنجانده شده در این آیین الهی آمیزه‌ای وحدت بخش و صلح آفرین است که در صورت توجه به فلسفهٔ حقیقی مناسک حج و انجام درست اعمال آن مسلمین می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند و امت واحدهٔ اسلامی بلکه بالاتر از آن جامعهٔ جهانی اسلامی تشکیل دهند.

ارتباطات و گفت‌وگوی مذهبی منطقی میان مذاهب اسلامی

انسان موجودی است اجتماعی و بدون اجتماع و به صورت انفرادی قادر به ادامهٔ زندگی نیست، به علاوه در انسان نیازها و استعدادهایی وجود دارد که جز در پرتو زندگی اجتماعی به ظهور و فعلیت نمی‌رسد، و این استعدادها و نیازها در متن خلقت انسان قرار داده شده است و همین‌ها انسان را به سوی زندگی اجتماعی می‌راند و می‌خواند. همچنین زندگی روزمرهٔ انسان‌ها بر پایهٔ ارتباطات استوار است. ادوارد. تی هال، انسان‌شناس آمریکایی جملهٔ معروفی دارد که می‌گوید: فرهنگ، ارتباط است و ارتباط، فرهنگ (فیاض، ۱۳۸۹: ۳۶۳). در فصل اول ذیل تعریف فرهنگ اشاره شد که فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی نظیر رفتار، عقاید، باورها، سنت‌ها، و رسوم که در داخل یک جامعه رواج و شیوع دارند و در تعریف ارتباط این‌گونه گفته‌اند که ارتباط عبارت است از: فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای

گیرنده، مشروط به اینکه در گیرنده پیام مشابهت معنی با معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۵۷).

از محتوای این دو تعریف می‌توان به این مطلب رسید که مشابهت معنی مورد نظر فرستنده زمانی در گیرنده پیام ایجاد می‌شود که حداقل فرستنده و گیرنده پیام در یکی از موارد ذکر شده در تعریف فرهنگ یعنی رفتار، عقاید، باورها، سنت‌ها، و رسوم اتحاد مشابهت داشته باشند، در غیر این صورت مشابهت معنایی بین دو نفر امکان ندارد و در نتیجه ارتباطی بین فرستنده و گیرنده به وجود نمی‌آید، و در صورت نبود ارتباط هم تفاهم متقابل حاصل نخواهد شد. با توجه به اینکه دنیای امروز با سرعت به سمت جهانی شدن می‌رود، ارتباط و گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد، و در این عصر و زمانه جامعه‌ای پیروز است که دارای هویت و فرهنگ غنی و قوی باشد و دارای مبانی هویتی و ارزشی ماندگار باشد. همان‌طور که در فصل دوم به تفصیل بیان شد، عناصر ارزشی و هویتی اسلام که مورد اتفاق همهٔ مسلمین است، این ظرفیت را دارد که جهان اسلام را تبدیل به جامعه‌ای واحد و متحد در برابر دشمنان کند و مسلمانان برای بقای خود چاره‌ای جز تشکیل امت واحدهٔ اسلامی ندارند. ژان ژاک روسو در جمله‌ای دربارهٔ اتحاد می‌گوید: چون انسان‌ها نمی‌توانند نیروهای جدیدی بیافرینند، بلکه فقط می‌توانند نیروهایی را که وجود دارند، متحد سازند و هدایت کنند، بنابراین، راه دیگری برای بقای خود جز تشکیل مجموعه‌ای از نیروها از طریق جمع شدن به دور هم ندارند، تا این مجموعه بتواند بر مقاومت موانع چیره شود و نیروها را با انگیزهٔ واحدی به کار اندازد و ترتیبی بدهد، که متفقاً عمل کند و این مجموعه نیروها جز از طریق اتحاد نمی‌تواند به وجود آید (روسو، ۱۳۹۲: ۹۸). و آنچه که از این عبارت به وضوح فهمیده می‌شود ضرورت وحدت و اتحاد جامعه است. از آنجا که همهٔ مسلمانان دارای عناصر هویتی و فرهنگی و دینی مشترک هستند، ارتباط بین آنها باید سهل و آسان باشد. وقتی گروه کثیری از انسان‌ها در دو اصل از اصول دین خود

با هم مشترک بودند، که توحید و نبوت است؛ یعنی همه آنها یک خدا را پرستند و به نبوت یک پیامبر معتقد باشند، و همچنین کتاب آسمانی همه آنها یکی باشد و همگی به طرف یک قبله نماز اقامه کنند، در نتیجه سایر اختلافات در فرعیات و امور جزئی نباید آنها را از منافع زیاد یکی بودن و اتحاد محروم کند. توجه به این عناصر هویتی مشترک و آثار وحدت و اتحاد که در مناسک حج وضع شده است، زمینه برقراری ارتباط بین حجاج مسلمان سایر کشورها را با ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت فراهم می‌کند و در اثر ارتباط صحیح و شایسته، تقرب و نزدیکی دل‌ها حاصل می‌شود و همان‌طور که در ضمن انجام مناسک حج، هر شخصی در هر مقام و هر مرتبه اجتماعی که دارد و با هر زبان و نژادی که دارد و از هر ملیت و قومیتی که آمده است آنجا فقط یک دست لباس سفید فاقد هرگونه تجملاتی به تن می‌کند و همه با هم و در کنار هم حول محور توحید و خانه توحید می‌چرخند. لذا، همین حالت و روحیه را می‌توانند به جوامع خود به ارمغان ببرند و این اعمال را در سرزمین خود انجام دهند، و در جوامع خود قومیت و ملیت، و نژاد و رنگ و سایر عناوین اعتباری را کنار گذاشته و یکدل و متحد کنار هم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند، در این صورت است که امت واحده تشکیل می‌شود و همگی تحت لوای کلمه توحید قرار می‌گیرند. بنابراین، مناسک حج تمرینی برای برقراری ارتباط و گفت‌وگوی منطقی بین مذاهب اسلامی است؛ و استفاده صحیح از این موقعیت عظیم اسلامی می‌تواند باعث تقریب مذاهب اسلامی شود.

کارکرد دیپلماسی فرهنگی حج در تعصب زدایی

همان‌طور که در مباحث پیشین به تفصیل بیان شد، تعصبات بیجا از جمله موانع دیپلماسی به شمار می‌آید، و مانع برقراری ارتباط و تفاهم می‌شود. از مجموعه مطالبی که تا به حال بیان شده است، می‌توانیم بفهمیم که منظور شارع مقدس از تشریح حج این بوده که مسلمانان با هم متحد شوند و از سراسر عالم به سمت یک مکان بیایند و این نزدیکی فیزیکی باعث نزدیکی روحی و فکری آنها بشود و پیوند اتحاد و برادری

و برابری با هم ببینند. این ادعا را می‌توانیم در برخی از روایات اسلامی مشاهده کنیم از جمله اینکه: ۱. پیغمبر اکرم درباره وحدت و برابری مسلمانان فرموده است^(۱): همانا پروردگار شما یکی است، پدر شما یکی است، همه فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است، گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست، عرب را بر عجم فضیلت نیست مگر به وسیله تقوی (حرانی، ۱۳۸۲: ۵۶). این ندای وحدت‌بخش و جملاتی که حاکی از به هم پیوستن و یگانگی است در مکه و منا و عرفات در ایام حج ایراد شده است. چون مراسم و مناسک حج همه ساله در این سرزمین برپا می‌شود و هنگامی که مردم از سراسر جهان به این سرزمین می‌آیند به یاد سخنان پیامبر باشند، و همواره وحدت و برادری خود را حفظ کنند، و از تفرقه و جدایی بپرهیزند در غیر این صورت اگر به صورت ظاهری در مکه جمع شوند ولی دل‌های آنها متفرق و از هم دور باشد مصداق این کلام خدای متعال است که می‌فرماید^(۲): می‌پندارند آنها با هم هستند و حال آن که دل‌هایشان پراکنده است (حشر/ ۱۴). و یا مصداق کلام امام علی (ع) بوده باشد که فرمود^(۳): ای مردمی که بدن‌هایشان در یک جا جمع شده است اما خواسته‌ها و آرزوها و هدف‌هایشان از هم جداست (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۹). ۲. امام صادق در حدیث معروفی که در کتب حدیث آمده می‌فرماید^(۴): (حرف عاملی، ج ۸: ۹). خداوند مقرر کرد که از شرق و غرب عالم آنجا جمع شوند برای اینکه یکدیگر را بشناسند یکی از کارهای پسندیده و خوبی که در بین مردم معمول است این است که افرادی که در یک محفل و یا کنگره برای اولین بار با هم آشنا می‌شوند، اسم و آدرس یکدیگر را مبادله

۱. ایها الناس ان ربکم واحد و اباکم واحد، کلکم لآدم و آدم من تراب، ان اکرمکم عندالله اتقاکم،

و لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی.

۲. ﴿حَسَبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾.

۳. (ایها الناس الْمُجْتَمِعَةَ اَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ اِهْوَاؤُهُمْ).

۴. فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا.

می کنند و با این کار از همدیگر مطلع می شوند و با هم ارتباط برقرار می کنند و این کار پیوندها را مستحکم می کند.

اسلام در چهارده قرن پیش، این زمینه را به وجود آورده است، و توصیه کرده است که از اجتماع عظیم حج برای این منظور باید استفاده شود. امام صادق فرمود: اسلام چنین اجتماعی را مقرر کرده است تا از شرق و غرب عالم جمع شوند و با یکدیگر در آنجا آشنا و دوست بشوند. ۳. حضرت علی می فرمایند^(۱) (نهج البلاغه، خطبه ۱): خداوند کعبه را پرچم اسلام قرار داده است. در قدیم این گونه معمول بوده است که گروه‌هایی که با یکدیگر به جنگ می پرداختند هر کدام پرچم مخصوص به خود را داشته‌اند و در زیر آن گرد می آمده‌اند و پرچم رمز بقا و استقلال و مقاومت آنها به شمار می آمده است. برافراشته بودن آنها دلیل حیات جمعی آنها بوده است، و افتادن و خوابیدن آن علامت شکست آنها بوده است. دلیر و دلاورترین آنها نامزد به دست گرفتن پرچم بوده است، گردان و دلاوران دور او را می گرفتند که برافراشته بماند. برعکس، دشمن کوشش می کرد که پرچم را بخواباند. پرچم مقدس و محترم بود. امروزه نیز پرچم رمز استقلال و وحدت و شخصیت مستقل ملت‌ها و کشورهاست. هر کشوری از خود پرچم و علامتی دارد و آن را مقدس می شمارد و احیاناً به آن سوگند می خورد. امیرالمؤمنین می فرماید: (لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ)، مادام که کعبه به پاسست اسلام پابرجاست (قمی، ۱۳۸۸: ۲۸۰)؛ یعنی مادام که حج زنده و باقی است اسلام و دین زنده و باقی است. کعبه پرچم وحدت و استقلال مسلمین است. از اینجا می توانیم بفهمیم که منظور اسلام این نبوده که مردم ندانسته و نفهمیده بروند به مکه و فقط یک سلسله مناسک که برای خود آنها نامعلوم است بجا آورند، منظور اصلی این است که تحت لوای کعبه یعنی همان خانه‌ای که اولین بار در میان بشر برای پرستش خدای یگانه بنا شد به صورت یک قوم واحد و امت واحد و هم‌عزم و هم‌دل گرد هم آیند.

۱. (جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِيَسْلَامَ عِلْمًا).

شعار اصلی و اساسی اسلام توحید است. کعبه خانه توحید است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾ (آل عمران / ۹۶). یعنی اولین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شده همان است که در سرزمین مکه است (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰).

نتیجه گیری

دیپلماسی، وسیله‌ای است که دولت‌ها در سراسر جهان امور خود را به روش‌هایی برای تضمین روابط صلح‌آمیز هدایت می‌کنند. وظیفه خدمات دیپلماتیک، حفظ منافع کشورهای متبوع خود در خارج از کشور است. از آنجا که سابقه استفاده از مذهب به‌عنوان موضوع و همچنین ابزار دیپلماسی سابقه‌تاریخی طولانی داشته بنابراین حج به‌عنوان یک دیپلماسی وحدت‌بخش در بین کشورهای اسلامی می‌تواند بیا داشت.

فریضه حج نه تنها راهی برای نزدیک شدن به خدا ارائه می‌دهد بلکه مزایای اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی را به زائران ارائه می‌دهد. برای نشان دادن برابری، برادری، و به منظور تسلیم در برابر آموزه‌های اسلامی، همه زائران به صورت جمعی علیرغم ویژگی‌های مختلف جمعیتی، لباس احرام را می‌پوشند. بنابراین دیپلماسی فرهنگی حج این توانایی را دارد که در ایجاد صلح و امنیت جهانی و منطقه‌ای مؤثر واقع شود؛ چرا که با تقویت زمینه‌های فرهنگی، عواملی نظیر تعصب و جهل، تکبر، و.. از بین می‌رود. تاریخ گواه آن است که هرگاه زمینه‌های فرهنگی تقویت شده‌اند، زمینه‌های کینه و عداوت بین مردم کم می‌شود، و جنگ و خونریزی متوقف شده و صلح و آرامش به ارمغان آمده است.

دیپلماسی وحدت‌بخشی که صلح و امنیت را به بار می‌آورد همراه با عقلانیت و تعقل است و این مناسک حج است که زمینه اتحاد و یکدلی را فراهم می‌کند و از نزاع و تفرقه و جدال برحذر می‌دارد. به‌عنوان مثال در محرمات احرام، اوامر و دستوراتی

به طور صریح و شفاف بیان شده است که مقدمه‌ای برای ایجاد صلح، و امنیت عمومی است؛ لذا، در شرع مقدس اسلام آمده است که برای شخص در حال احرام، جدا کردن و فخر فروشی کردن و دشنام، و... حرام است و کسی که مرتکب این اعمال شود جریمه خواهد شد. در حقیقت خداوند عالم با تشریح این اوامر و دستورات آن هم در مناسک حج می‌خواهد این مطالب را به مسلمانان برساند که هیچ کدام از شما با امور اعتباری بر دیگری برتری ندارد و همه یکسان و برابر هستید، و برای انجام امور عبادی و فعالیت‌های اجتماعی باید از امور اعتباری و موهوم نظیر افتخار به قوم و قبیله، و زبان و رنگ و امثال اینها دور باشید و حول یک محور بچرخید، که آن هم محور توحید است. در واقع مناسک حج تمرینی برای برقراری ارتباط و گفت‌وگوی منطقی بین مذاهب اسلامی است؛ و استفاده صحیح از این موقعیت عظیم اسلامی می‌تواند باعث تقریب مذاهب اسلامی شود. لذا، حج عبادتی سیاسی، اجتماعی است که متضمن مجموعه‌ای از قوانین و دستورات الهی برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است؛ و مناسک گنجانده شده در این آیین الهی آمیزه‌ای وحدت بخش و صلح آفرین است که در صورت توجه به فلسفه حقیقی مناسک حج و انجام درست اعمال آن مسلمین می‌توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند و امت واحده اسلامی بلکه بالاتر از آن جامعه جهانی اسلامی تشکیل دهند.

منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ذیل ماده عصب، قم: نشر ادب الحوزه.
۲. احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۰). حج در آینه روان‌شناسی. انتشارات قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.
۳. احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی و مختاری هشی، حسین. (۱۳۸۹). تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای (دو فصلنامه) سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۴. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۳). اصول و کارکردهای دیپلماسی عمومی در سیره نبوی. پژوهش‌های سیاست اسلامی. سال دوم، شماره پنجم، صص ۱۱ تا ۳۴.
۵. اصفهانی، راغب. (۱۳۸۷). المفردات. ترجمه: حسین خداپرست، قم: نشر نوید اسلام.
۶. امام خمینی. (۱۳۶۲). در جستجوی راه از کلام امام. تهران: امیرکبیر..
۷. بروس، کوئن (۱۳۸۳). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
۸. بیانات در دیدار با مسئولین حج، ۱۳۹۱/۷/۳.
۹. بیانات در دیدار با مسئولین حج، ۱۳۷۳/۱/۳۱.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۱. حرانی، ابو محمد حسن (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه: صادق حسن‌زاده، چاپ اول، قم: آل علی.
۱۲. حرعاملی، محمد بن الحسن. وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی، بیروت: احیاء التراث العربی.
۱۳. خزایی، محمد رضا. (۱۳۹۳). دیپلماسی پیامبر(ص) و ابزارهای توسعه روابط بین‌المللی با سایر دولت‌ها. مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۸، صص ۱۰۳ تا ۱۳۲.
۱۴. درخشه، جلال و اسماعیلی کلیشمی، علیرضا. (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها. فصلنامه پژوهش‌های جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، صص ۲۷ تا ۵۳.
۱۵. روسو، ژان ژاک (۱۳۷۹). قرارداد اجتماعی، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: نشر آگه.
۱۶. سیف زاده، سیدحسین. (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل. تهران: نشر سفیر.
۱۷. شریعتی، علی. (۱۳۸۹). تحلیلی از مناسک حج. تهران: الهام.
۱۸. شهرام‌نیا، امیرمسعود و نظیمی نائینی، نازنین.

۱۹. شیخ کلینی، اصول من الکافی. بغدادی، ابن سعد. (۱۳۷۴). الطبقات الكبرى. ترجمة: محمد مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۲۰. شیخ الاسلامی، محمدحسین و سرادار، حمید. (۱۳۹۱). الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العام الاسلامی. فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۰۳ تا ۱۲۸.
۲۱. صادقزاده، هادی. (۱۳۹۵). کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در تقویت هویت فرهنگی مسلمانان. فصلنامه علمی- ترویجی میقات حج، سال ۲۵، شماره ۹۸، صص ۱۱۸ تا ۱۴۹.
۲۲. الطبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۳۹۸). المعجم الكبير. محقق: خمدي عبد المجيد السلفی، قاهره ۱۳۹۸ ق.
۲۳. علویان، مرتضی و براریان، محمد. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در همگرایی کشورهای اسلامی. مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره چهارم، شماره ۴۲، صص ۷ تا ۲۲.
۲۴. فلاح نژاد، علی و امیری، علی. (۱۳۹۴). روابط ایران و افغانستان؛ همگرایی یا واگرایی. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۲۵ تا ۱۵۰.
۲۵. فیاض، ابراهیم. (۱۳۸۹). تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۶. قرآن کریم.
۲۷. قمی، محمد بن ابن بابویه (۱۳۸۸). علل الشرايع، ترجمة: محمد جواد ذهني تهراني، قم: انتشارات مؤمنین، چاپ دهم.
۲۸. لاری، اسماور ریپارد ای پورتر، لیزا، استفانی. (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ ها، ترجمة: غلامرضا کیانی، اکبر میرحسینی، تهران: نشریاز.
۲۹. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۸). "امنیت منطقه ای در خلیج فارس"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی. سال چهاردهم، شماره ۱۴۵-۱۴۶ مهر و آبان ۱۳۷۸.
۳۰. محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۱). ارتباط شناسی، تهران: انتشارات سروش.
۳۱. محمدی، محسن، کریمیان، نورالله و رضایی، حسن. (۱۳۹۴). ظرفیت های درونی اسلام در تقویت همبستگی با تمرکز بر نقش حج در وحدت جهان اسلام. فصلنامه علمی- پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، صص ۲

- تا ۲۶. علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
۳۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). شش مقاله، قم: انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: نشر صدرا، ج ۱۹.
۳۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر. تهران: صدرا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتاب الاسلامیه.
۳۶. منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۸). شرح خطبه قاصعه، تهران: نشر اطلاعات.
۳۷. منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۴). مبانی فقهی حکومت اسلامی، تهران: نشر تفکر.
۳۸. مورگنتا، هانی، جی. (۱۳۷۴). سیاست میان ملت‌ها. ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۹. نای، جوزف. (۱۳۸۹). قدرت نرم، ترجمه: محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام الصادق.
۴۰. نصر، حسین. (۱۳۵۹). علم و تمدت در اسلام. ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی خوارزمی.
۴۱. نهج البلاغه
۴۲. وطن دوست، رضا. (۱۳۸۸). وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی. مشهد: دانشگاه
43. Amiri, R. E., Samsu, K. H. B. K., & Fereidouni, H. G. (2011). The Hajj and Iran's foreign policy towards Saudi Arabia. *Journal of Asian and African Studies*, 46(6), 678-690.
44. Al Nabulsi, H. (2015). *The crowd psychology of the Hajj* (Doctoral dissertation, University of Sussex).
45. Al-Ken, A. I. (1995). *The Hajj: past, present and future: the communication aspect* (Doctoral dissertation, University of Leeds).
46. Caidi, N. (2019). *Pilgrimage to Hajj: an information journey*. *The International Journal of Information, Diversity, & Inclusion (IJIDI)*, 3(1).
47. Ekhtiari Amiri, R. (2016). *The Hajj and the future of Iranian-Saudi diplomatic relations*. ResearchGate. <https://www.researchgate.net/publication/310322364>.
48. Gatrad, A. R., & Sheikh, A. (2005). Hajj: journey of a life-time. *Bmj*, 330(7483), 133-137.
49. <https://www.eda.admin.ch/dam/>

eda/en/documents/publications/GlossarezurAussenpolitik/ABC-Diplomatie_en.pdf. 2008.

50. Haas, E. B., & Schmitter, P. C. (1964). Economics and differential patterns of political integration: Projections about unity in Latin America. *International Organization*, 18(4), 705-737.

51. NIU, S., & METWALLY, G. (2016). Hajj and Its Impact on International Relations. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 10(4), 39-65.